

خانواده بزرگ در مقابل رقابت و تناقض: بررسی موردی سکونتگاه غیر رسمی مرتضی‌گرد*

سارا احمدی

دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: sara.ahmadi84@gmail.com

میترا حبیبی

استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

مقصود فراستخواه

استاد گروه برنامه‌ریزی آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران

چکیده

مفهوم سکونت پیچیده و پویاست. از این‌رو نظریات و دیدگاه‌های موجود در زمینه مفهوم سکونت که اغلب در شرایط و ساختارهای سکونتگاه‌های رسمی ارائه شده‌اند، در سایر سکونتگاه‌ها اثربخشی لازم را ندارند. با توجه به گسترش سکونتگاه‌های غیر رسمی، مطالعه و شناخت دقیق آنها می‌تواند تأمل‌برانگیز باشد. هدف از این پژوهش، شناخت ادراک و تجربه ساکنان از سکونت و چگونگی معنا و مفهوم‌بخشی به آن در زمینه سکونتگاه غیر رسمی مرتضی‌گرد واقع در منطقه کلانشهری تهران است. این پژوهش در دسته پارادایم تفسیرگرایی قرار می‌گیرد و از جنبه شناخت‌شناسی، تأکید بر کنش و تعامل پژوهشگر با مورد پژوهش و حداقل فاصله عینی با مشارکت‌کنندگان پژوهش دارد. در این پژوهش از موردکاوی به‌عنوان روش پژوهش و از تحلیل محتوای کیفی استقرایی آشکار به‌عنوان شیوه تحلیل و به‌منظور تفسیر داده‌های متنی به‌دست آمده از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختار یافته و مشاهده‌های میدانی، استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در سکونتگاه غیر رسمی مرتضی‌گرد، مفهوم سکونت پویا و مؤلفه‌های تعریف‌گر آن همچون آرامش، سکون و امنیت در مراحل گوناگون از سکونت دیگرگونه معنا یافته و دگرپرسی آن مشاهده می‌شود. یکبار از رهگذر زندگی در چارچوب خانواده‌ای بزرگ و احساس تعلق جمعی و بار دیگر، از طریق رقابت و تنازع درون‌گروهی، ارتقاء سرمایه‌ها و تصرف فضا. وجه بداعت نوشتار نمایش تفاوت معنایابی سکونت در سکونتگاه غیر رسمی و تدقیق مفهوم و مؤلفه‌های تعریف‌گر آن در مراحل مختلف اسکان غیر رسمی است.

کلیدواژه‌ها: مفهوم سکونت، سکونتگاه غیر رسمی، بررسی موردی، مرتضی‌گرد

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری سارا احمدی با عنوان «بازشناسی تجلی فضایی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی واقع در منطقه کلان-شهری تهران مبتنی بر نظریه فرهنگی (مورد پژوهی: سکونتگاه غیر رسمی مرتضی‌گرد)» است که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر انجام شده است.

مقدمه

سکونت داشتن یعنی متعلق بودن به یک مکان حقیقی و سکنی گزیدن با مفاهیم کیفی آن از شروط مقدماتی انسان بودن است (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۶). لیکن، یکی از معضلاتی که شهرهای امروزی با آن روبه‌رو هستند، خیل مردمی است که به آنها هجوم آورده‌اند؛ بدون توان تهیه مسکن مناسب و با کیفیت^۱ (UN-Habitat, 2003; 2016). از این ره، آنها به تغییر فضا مبتنی بر نیاز خود برخاسته و در بستر فضایی موجود، مسکن خود را منطبق بر نیازها و احتیاجات بنا کرده و شیوه سکونت خویش را بر فضا حاکم می‌کنند (بیات، ۱۳۹۱؛ پرلمن، ۱۳۹۷؛ پیران، ۱۳۶۶؛ ۱۳۷۲؛ ۱۳۷۴). شناسایی چگونگی تحقق امر سکونت، معنا و مفهوم آن به دلیل گسترش روزافزون سکونتگاه‌های غیر رسمی در شهرها (UN-Habitat, 2016) ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان پایه‌های علمی روشنی در راستای برنامه‌ریزی منطبق بر واقعیت زندگی در اسکان‌های مذکور ایجاد نمود. در واقع، افراد در اسکان غیر رسمی در مناطقی ساکن می‌شوند که از نظر حق مالکیت، شرایط زندگی، تراکم، ترکیب خانواده، سطح امنیت، پیشرفت و میزان تغییر، دارای شرایط متنوع و محدودیت‌هایی است. بر این مبنا، به نظر می‌رسد که در سکونتگاه‌های مذکور، امر سکونت بحث برانگیز می‌شود. چراکه مالکیت غیر رسمی و «فقدان امنیت تصرف» (UN-Habitat, 2003; 2016) نحوه دستیابی به مؤلفه‌های برساننده مفهوم سکونت همچون محافظت کردن، تعریف کردن مرکزیت عالم و درونی‌گر فضای بیرونی، آرامش و پناه‌دهنده، بیان‌گر هویت شخصی و گروهی، حس تعلق و هویت مکانی، برساننده فرهنگ و برآورنده نیازهای اجتماعی (شولتز، ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۸؛ راپاپورت، ۱۳۸۸؛ ۱۳۷۶؛ Relph, 1976; Pallasma, 2011; Heidegger, 1971) را تغییر می‌دهد. بر این مبنا حصول به مؤلفه‌های مذکور باید دیگرگونه صورت پذیرد تا مفهوم سکونت تجلی کند. در این میان، یکی^۲ از شهرهایی که سیل جمعیت عظیمی را به دلایل مختلف به سوی خود کشانده و سکونتگاه‌های غیر رسمی متعددی از جمله مرتضی‌گرد در منطقه کلانشهری آن شکل گرفته‌اند، تهران است. براین اساس، این نوشتار با روش مطالعه موردی، در پاسخ به سؤال چیستی مفهوم سکونت در سکونتگاه غیر رسمی مرتضی‌گرد^۳ واقع در منطقه کلانشهری^۴ تهران است تا تجربه سکونت از دیدگاه ساکنان ادراک شود. به بیان دیگر، ماهیت سکونت که علاوه بر جنبه‌های عینی، غالباً واجد جنبه‌هایی ذهنی است (شولتز، ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۷؛ Relph, 1976; Pallasma, 2011; Heidegger, 1971)، پدیده‌ای پیچیده می‌نماید. بنابراین بررسی این پدیده از طریق کشف تجربه و معنای آن در ساکنان مختلف می‌تواند راهگشا باشد. در واقع، برخلاف دیدگاه غالب، سکونت همواره معنای ثابتی نداشته و مفهوم آن، که واجد جنبه‌های عینی و ذهنی است، بر مبنای زمینه، بستر و ویژگی‌های آن می‌تواند تغییر یافته و یا با اولویت‌های دیگری تعریف شود (راپاپورت، ۱۳۸۸؛ Bachelard, 1994). شناخت این مفهوم و زمینه‌ای که در آن به‌وقوع پیوسته، که در این پژوهش به‌واسطه ضرورت بیان‌شده، سکونتگاه‌های غیر رسمی بوده است، شناسایی فرایند تحقق امر مذکور و کشف کنش‌ها و واکنش‌هایی که در این فرایند روی می‌دهند، نیاز به ارتباط بی‌واسطه با ساکنان سکونتگاه‌های مذکور و درک معنا و تجربه عمیق سکونت ایشان از طریق پژوهشی کیفی دارد و می‌تواند زمینه مداخله صحیح برای نزدیک کردن نظریه به عمل را با توجه به مختصات کنونی محیط سکونتگاه‌های غیر رسمی فراهم آورد. بنابراین، با توجه به اهداف پژوهش و ماهیت پدیده، این پژوهش در دسته پارادایم تفسیرگرایی قرار می‌گیرد. از جنبه هستی‌شناسی باور بر واقعیت‌های ذهنی و چندگانه همان چیزی است که توسط مشارکت‌کنندگان مطالعه درک می‌شود و از جنبه شناخت‌شناسی، تأکید آن بر کنش و تعامل پژوهشگر با مورد پژوهش و حداقل فاصله عینی با مشارکت‌کنندگان پژوهش است. به‌منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پژوهش و درک تجربه ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی از مصاحبه‌های کیفی عمیق و نیز مشاهده‌های میدانی استفاده شده است. داده‌ها از طریق شیوه‌های تحلیلی پرسش از داده‌ها و مقایسه مداوم و از طریق فرایند نظام‌مند کدگذاری باز و

محوری با هدف طبقه‌بندی مفاهیم تا چهار سطح از انتزاع مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

مفهوم سکونت، وجه مغفول مطالعات عملی و نظری در محیط سکونتگاه‌های غیر رسمی

سکونت‌گزینی از مهم‌ترین شروط زیستن است و سکونت داشتن یعنی متعلق بودن به یک مکان حقیقی (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۶). سکنی کردن درحقیقت پناه آوردن به خود و درک وجود واقعی خود است و از این حیث مسکن پناه‌دهنده انسان است. مسکن، محلی است برای کسب خلوت روزانه به‌منظور بازگشت به خود و ارتباط با خویش (شولتز، ۱۳۸۷، ۴۵). مسکن نهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌شود. سکونت دلالت‌های معنایی مختلفی همچون هستن، بودن در آرامش، سکنی، ماندن، اقامت گزیدن و ساختن را در خود دارد (Heidegger, 1971, 156). اساساً خانه ما را به «درون» می‌آورد (شولتز، ۱۳۸۱).

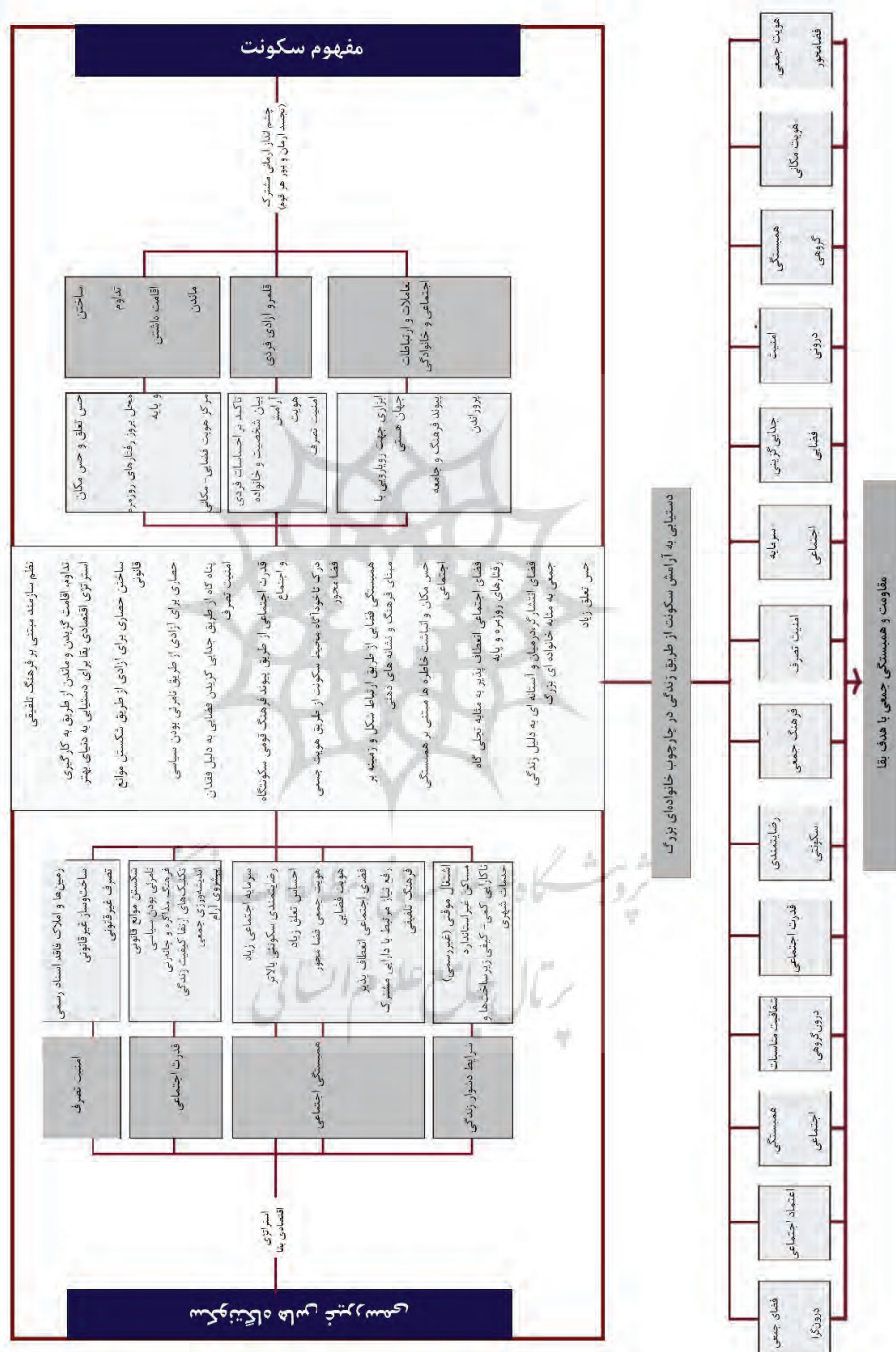
خانه، مکان بودن و مرکز عالم است (شولتز، ۱۳۸۲). در مرکز بودن مفهومی انتزاعی است و خانه در مرکز ذهنی انسان قرار می‌گیرد. بر این اساس، خانه مکانی برای تبدیل زندگی بیرونی به کیفیتی درونی است (شولتز، ۱۳۸۷، ۴۵). بنابراین، به درون خانه رفتن معادل به درون خویش پناه بردن است. «هنگام پای‌نهادن به خانه به آسایش دست می‌یابیم» (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۴۴). خانه، سکونتگاهی فردی شده است و به‌نظر می‌رسد که معنای این شخصی‌سازی ظریف، و رای تصور ما از معماری است (Pallasma, 2011, 56). بنابراین، زمانی که فرد به میزان قابل توجهی با مکان زندگی خویش هم‌ذات‌پنداری داشته باشد و تطابق زیادی بین فرد و مکان وجود داشته باشد حس مکان خلق می‌شود (Relph, 1976). در نتیجه، سکونت حس تعلق خاطر به نقطه‌ای ویژه است که دارای تأثیرات عمیق و پایدار است. «معنای سکونت، احساسی، شخصی و نمادین است. به‌همین سبب نمی‌توان آن را در ملاک‌های کمیتهی گنجانند. سکونت مفاهیمی چون هویت شخصی و گروهی، درجاتی از خلوت شخصی و خصوصی بودن فضا را در بردارد» (راپاپورت، ۱۳۸۴، ۲۲). به‌عبارتی دیگر حس مکان و تجربه زیستن در فضای مسکونی، شخصیت انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و هویت فردی را برمی‌سازد. این هویت شخصی در بستر وجودی خود در سیر زمان به هویت اجتماعی و عمومی بدل می‌شود. فرهنگ نیز که دربردارنده هویت اجتماعی است، متأثر از هویت فردی و در نتیجه متأثر از سکونت است. با مساعدت گرفتن از مکان سکونت یعنی خانه و برخورداری از امکان هویت‌یابی و امنیت، نقطه اتکایی را که برای فعالیت‌های روزانه به آن نیاز داریم، می‌یابیم و با باز نمود ذهنی خاطراتی را که در تعاملات روزانه گرامی می‌داریم، به کیفیتی درونی تبدیل کرده، از آن متممی برای نفس باطنی خویش می‌سازیم (Bachelard, 1994).

خانه کوچک‌ترین، خصوصی‌ترین و هسته‌ای‌ترین فضای اجتماعی برای انسان و یک تکیه‌گاه هویتی است. خانه دارای وجوه مختلف ابزاری، ارتباطی، معنایی و رهایی‌بخش است و بر این مبنا، یکی از مهم‌ترین وجوه خانه، امکان کسب هویت در خلال زندگی به‌واسطه فرهنگ‌پذیری از کالبد سکونتی است. چنانکه شولتز بیان می‌کند: «سکونت را می‌توان بیانگر تعیین موقعیت و احراز هویت نیز دانست» (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۰). بنابراین، «خانه جای آسایش و ابزاری برای رویارویی با جهان هستی است» (Pallasmaa, 1992). این مأمنی است نه‌تنها به دور از تمام گزندها، بلکه به‌دور از تمام وحشت‌ها، تردیدها و نفاق‌ها. جایی که این نباشد، خانه نیست» (بردلی، ۱۳۸۶، ۱۲۵). از دیگر سو «خانه را نمی‌توان جدا از مجتمع یا بستر آن مورد توجه و مطالعه قرار داد و باید به‌عنوان بخشی از کل نظام اجتماعی و نظام فضایی که خانه و شیوه زندگی، مجتمع زیستی و حتی منظر را در بر می‌گیرد مورد بررسی قرار گیرد (راپاپورت، ۱۳۸۸، ۱۱۳).

با توجه به گسترش اسکان غیر رسمی در سال‌های اخیر (UN-Habitat, 2003; 2016) و تمرکز بخش مهمی از پیشینه مطالعات مرتبط با شهرسازی به این موضوع، شیوه زندگی، ویژگی‌ها، امکانات، محدودیت‌ها و نحوه مداخله در آنها، موضوع طیفی از مطالعات هم در حوزه عملی و هم در حوزه نظری در داخل و خارج از کشور

بوده است (ایراندوست و صرافی، ۱۳۸۶؛ بیات، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۱؛ پیران، ۱۳۶۶؛ ۱۳۷۴؛ صرافی، ۱۳۸۷؛ Alsayyad, 1993; 2004; Bayat, 2000; 2007; Davis, 2006; De soto, 1989; 2000; Dovey *et al.*, 2020; Gilbert, 2007; 2014; Kellet & Moore, 2003; Neuwirth, 2010; Perlman, 2004; Roy & Al-Sayyad, 2004; Roy, 2012). این پژوهش‌ها بیشتر بر تعریف اسکان غیر رسمی، علل و بسترهای پیدایش آن، شیوه زندگی، امکانات و محدودیت‌ها، ویژگی‌ها و مشخصه‌ها، ویژگی‌های کالبدی مسکن و نحوه مداخله در بافت‌های مذکور پرداخته‌اند. دسوتو غیر رسمی بودن را یک استراتژی اقتصادی عقلانی و یک «استراتژی بقا» و «یک دریچه ایمنی برای تنش جامعه» می‌داند که این موضوع با «ابتکار و روحیه کارآفرینی» فقرا به انجام رسیده است (De Soto, 1989, 243). آصف بیات استدلال کرده است که افراد غیر رسمی خاورمیانه «جماعتی از معترضین نیستند، بلکه خسارت دیده‌اند». به همین ترتیب، دو هدف اصلی دارد: «توزیع مجدد کالاها و فرصت‌های اجتماعی و دستیابی به استقلال فرهنگی و سیاسی» (Bayat, 2000, 48). همچنین وی معتقد است که ساکنان این سکونتگاه‌ها افرادی هستند که برای بقا می‌جنگند و گرچه به ظاهر بی‌قدرت هستند لیکن، نمی‌نشینند تا کسی سرنوشت حیات‌شان را رقم بزند، بلکه در تضمین بقای خویش فعال‌اند (بیات، ۱۳۹۱). بر این مبنا، در این جوامع، خانواده و پیوندهای خویشاوندی اساساً نیرومند باقی مانده است و به‌ویژه به‌عنوان شبکه‌ای حمایتی عمل می‌کند و به مهاجران امکان می‌دهد از عهده‌دشواری‌های مهاجرت و گذار از مراحل گوناگون زندگی برآیند (مدنی‌پور، ۱۳۸۱، ۱۵۱). با بیان روی و الصیاد غیر رسمیت شکلی از کردارها و سازمان اجتماعی تعریف می‌شود که با زیست غیر رسمی افراد گره خورده است. از این رو، مناسبات اجتماعی، پیوندهای رسمی و غیر رسمی، ساز و کارهای اقتصادی و تاکتیک‌های گروهی فرودستان نمودی از اتفاق نظر برای بقا و ارتقای کیفیت زندگی است و عاداتی تعریف می‌کند که شیوه‌هایی پراگماتیستی و انعطاف‌پذیر از برآوردن نیازها هستند (Roy & Alsayyad, 2004). این همان تاکتیک‌هایی است که در کارهای آصف بیات به‌شکل از آن خود کردن خیابان ذیل اصطلاحات «سیاست‌های خیابانی» و «خیزش آرام» دیده می‌شود. وی همچنین، بر تأثیر سیاست‌های سکونت‌ی و نقش آن در تغییر سبک زندگی، رفتار و ارتباطات افراد تأکید کرده و از آن خود کردن را به میان می‌آورد (Bayat, 2000; 2007). به تعبیر سیمون (2004)، ویژگی زیست غیر رسمی، پیوندهای انعطاف‌پذیر، سیال و معطوف به تأمین نیازهای ساکنینیست که بدون داشتن تصویری روشن و آشکار از اینکه چگونه و برطبق چه اصولی باید در شهر زندگی کنند، عمل می‌نمایند. این پیوندها در واقع نقش زیرساخت‌های شهری را دارند که برای تأمین و بازتولید زندگی ضروری است. از این زاویه زیست غیر رسمی شیوه بدیلیست برای نظم شهر؛ روشی متفاوت برای سامان دادن به فضا و احقاق حق شهروندی (Roy, 2012, 15). سولومون بنجامین (2008) نیز با وضع مفهوم «شهرگرایی اشغال‌کننده» اشاره به همین ساز و کارهای فرودستان در مهیا کردن زیرساخت‌های زندگی شهری از خلال «اندیشه‌ورزی جمعی» و «آشکارسازی مناسبات درونگروهی» دارد. ایشان از نظر اجتماعی به‌خوبی سازمان یافته، پیوندهای درونی محکم و پایدار و سرمایه اجتماعی پویا و مثبت دارند (پرلمن، ۱۳۹۷؛ AGA KHAN, 2005, 23). لیکن این روایت سویی دیگری نیز دارد که با ورود مدیریت رسمی به سکونتگاه به بهانه ساماندهی فضا آغاز می‌شود و پیامدهای بسیاری را با خود به همراه دارد (پرلمن، ۱۳۹۷)، که می‌تواند سکونت را دیگرگونه تعریف نماید^۵. با توجه به مطالب بیان شده که همگی به تعریف اسکان غیر رسمی، علل و بسترهای پیدایش آن، شیوه زندگی، امکانات و محدودیت‌ها، ویژگی‌ها و مشخصه‌ها، نحوه رفتار ساکنان، ویژگی‌های کالبدی مسکن و نحوه مداخله در بافت‌های مذکور پرداخته‌اند و نیز به‌دلیل شکافی که در حوزه مطالعات نظری و عملی در زمینه چگونگی معنابخشی به سکونت و دستیابی به مؤلفه‌های تعریف‌گر آن در محیط سکونتگاه‌های غیر رسمی، مفاهیم و مقوله‌های مرتبط و تغییرات آن در طول زمان وجود دارد، در این پژوهش به مفهوم سکونت در زمینه سکونتگاه

غیر رسمی مرتضی گرد واقع در منطقه کلانشهری تهران و تغییرات و دگردیسی بنیادی آن از رهگذر پژوهشی کیفی، بر اساس درک تجربه ساکنان و از منظر ذهنی و عینی ایشان پرداخته شده است. در شکل (۱) خلاصه‌ای از ادبیات، مبانی نظری و پیشینه موضوع که به‌طور کامل بررسی، کدگذاری و تحلیل شده‌اند، آورده شده که استخراج مفاهیم نیز برای دستیابی به «حساسیت نظری» (Corbin & Strauss, 2014) صورت پذیرفته است.



شکل ۱.۱ مؤلفه‌های مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی بر مبنای بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش

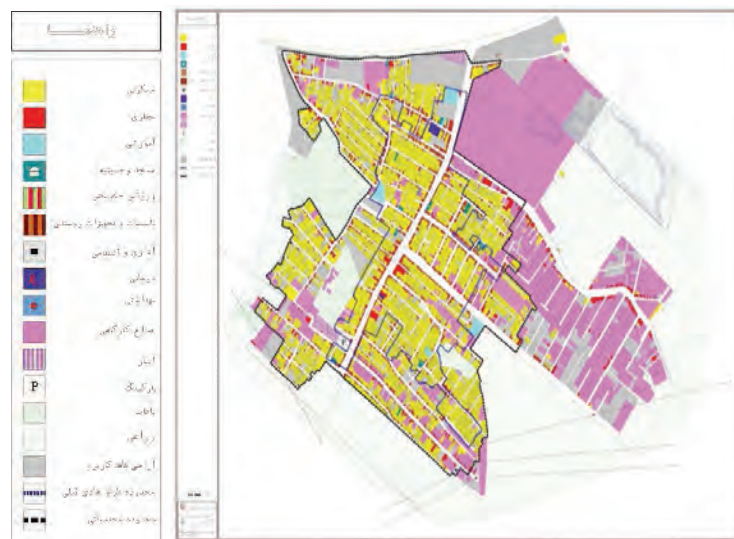
منبع: احمدی و حبیبی، ۱۳۹۸

سنی و جنسی مختلف (بازه ۱۵ تا ۶۵ سال) و با زمان‌های سکونت متفاوت در بافت (از ۶ ماه تا ۳۰ سال سابقه سکونتی) و در شغل‌های متفاوت صورت پذیرفته است. در فرایند پژوهش و مصاحبه‌ها با رسیدن به درک تعاملی بودن مفهوم مورد بررسی، به این معنا که برخی از مفاهیم و مؤلفه‌ها در حوزه سکونت در تعامل میان ساکنان با سکونتگاه شکل می‌گیرند و تنها از طریق بررسی ذهنیت و ادراک مشارکت‌کنندگان پژوهش قابل دستیابی نیستند، تهیه یادداشت‌های میدانی از مشاهده‌های مستقیم شیوه سکونت در سکونتگاه غیر رسمی مرتضی‌گرد نیز به شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات اضافه شد. پژوهش در یک بازه زمانی نه ماهه انجام گرفته و مشاهده در فضاهای شهری، عمومی و در برخی از منازل و فضاهای خصوصی صورت پذیرفته، همچنین، ثبت رویدادها و وقایع موجود، زندگی روزمره ساکنان، رفتارها، فعالیت‌ها و گفتارهای ایشان در حین تعامل و گفتگو با یکدیگر در قالب تصاویر و عکس‌برداری و یادداشت‌های توصیفی و بازاندیشانه و شخصی به انجام رسیده است. تلفیق این شیوه با مصاحبه از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند امکان دستیابی به معنای عینی‌تر و دقیق‌تر از تجربه افراد از سکونت و ادراک آنها، از طریق مشاهده رفتار و گفتار ایشان (Schwandt, 2007) در واقعیت و در تعامل با ساکنان را فراهم نماید. یافته‌های حاصل از مشاهدات نیز همانند مصاحبه‌ها که گذاری و وارد مرحله تحلیل شده‌اند. در این پژوهش در بخش مدیریت داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA 2018 استفاده شده است.

معرفی اجمالی مرتضی‌گرد

مرتضی‌گرد (از توابع بخش آفتاب شهرستان تهران) از جمله سکونتگاه‌های غیر رسمی ایجاد شده در اطراف کلانشهر تهران است که در محدوده منطقه ۱۹ در مسیر بزرگراه آزادگان قرار گرفته است. این سکونتگاه از شمال به اتوبان آزادگان، از غرب به روستای علی‌آباد قاجار، از شرق به روستای خلاریز و از جنوب به اراضی زراعی محدود می‌شود. مرتضی‌گرد با شهر تهران حدود ۱ کیلومتر فاصله دارد. کل مسیرهای ارتباطی این سکونتگاه با شهرهای اطراف آسفالت است.

تعداد جمعیت سکونتگاه در طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ با افزایش زیادی روبه‌رو بوده است. جمعیت سکونتگاه تا سال ۱۳۶۵ فاقد اطلاعات آماری است. در سال ۱۳۶۵ معادل ۱۰۸۷ نفر در قالب ۱۹۹ خانواده بوده و در سال ۱۳۹۵ تعداد جمعیت ۲۲۲۷۳ نفر با ۶۱۰۲ خانوار برآورد شده است. براساس آمار و اطلاعات، سیل مهاجرت به مرتضی‌گرد از سال ۱۳۸۸ موج شدیدی را تجربه کرده و در سال‌های اخیر از روستایی خوش آب و هوا به سکونتگاهی با مسائل و مشکلات متعدد تبدیل شده است. زیرا با وجود جمعیت رسمی نزدیک به ۲۳۰۰۰ نفر و غیر رسمی ۲۵۰۰۰ نفر (مهندسان مشاور آبادگستر تخت سلیمان، ۱۳۹۶)، همچنان در تعریف کشوری، جایگاه و در نتیجه امکانات روستا را به خود اختصاص داده است. مسکن و زمین‌ها در این مکان غالباً فاقد سند و به صورت قولنامه‌ای بوده و به صورت یکشبه تصاحب و ساخته شده‌اند. بر این اساس، اغلب مسکن بنا شده، غیراستاندارد بوده و در نقشه کیفیت ابنیه با عنوان مرمتی از آنها یاد شده است (مهندسان مشاور آبادگستر تخت سلیمان، ۱۳۹۶).



شکل ۲. نقشه کاربری اراضی مرتضی گرد

منبع: مهندسان مشاور آبادگستر تخت سلیمان، ۱۳۹۶

همچنین کاربری اراضی در محدوده مرتضی گرد غالباً مسکونی است. اما در محور خیابان اصلی به دلیل حضور گسترده کارگاه‌های مرتبط با تولید مبلمان و خدمات وابسته به آنها کاربری تجاری نیز مشاهده می‌شود (شکل ۲). گرچه در برخی از معابر فرعی نیز کاربری‌های مرتبط با انبار و تولیدات مبلمان وجود دارد که تأثیری دوسویه بر سکونتگاه داشته‌اند؛ از سویی زمینه اشتغال را فراهم کرده‌اند و از سویی دیگر، علاوه بر آلودگی و ناسازگاری‌های فراوانی که ایجاد نموده‌اند، زمینه جذب جمعیت بیشتر به سکونتگاه، خارج از ظرفیت‌های آن، و به‌ویژه جمعیت شناور بسیاری را فراهم نموده‌اند که پیامدهای نامطلوبی به‌ویژه فشارهای افزایش جمعیتی را با خود به‌همراه داشته است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌های پژوهش در زمینه تجربه ساکنان از سکونت در سکونتگاه غیر رسمی مرتضی گرد به‌طور کلی بیانگر دو مفهوم اصلی «معنابخشی به سکونت در چارچوب خانواده‌ای بزرگ» و «رقابت و تنازع درون‌گروهی با هدف ارتقای سرمایه‌ها و تصرف فضا» است. جدول شماره (۱) مفاهیم مرتبط با هر یک را در سکونتگاه غیر رسمی مرتضی گرد نشان می‌دهد. در ادامه نیز تعریف هر یک از این مفاهیم و مصادیق آنها ارائه می‌شود.

جدول ۱. عوامل مرتبط با معنابخشی به سکونت در محیط سکونتگاه غیر رسمی مرتضی‌گرد

مقوله‌ها	طیف‌های مفهومی	مفاهیم	کدها
معنابخشی به سکونت در چارچوب خانواده‌ای بزرگ	- سرمایه اجتماعی (محدودکننده و پیوندهنده)	فرهنگ تلفیقی پیوندها و گروهی / تعاملات اجتماعی بالا	اداب و رسوم متفاوت، تنوع قومیتی، سبک زندگی درامیخته روابط همسایگی، همشهری بودن، مناسبات خانوادگی مستحکم، مهاجرت فامیلی، رضایت از سکونت، ارتباطات قومی، همدردی گروهی، پیوندهای عاطفی
	- پیشروی آرام با اندیشه‌ورزی جمعی	نظارت اجتماعی غیر رسمی	چشم‌انداز مادران در خیابان، سرایت زندگی جمعی - قومی در فضاهای نیمه‌عمومی، روابط اجتماعی نزدیک، ارتباطات قومی و فامیلی
- همبستگی فضایی	- احساس تعلق جمعی	سیاست مقاومت و مخالفت / فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی	دور زدن بازدارنده‌های ساخت و ساز غیرمجاز، راهکارهای خلاقانه فردی و جمعی جهت دستیابی به خدمات و امکانات، ابتکار و روحیه کارآفرینی، اعتراضات فردی و جمعی، توسل به مکانیزم‌های تطابق در زندگی روزمره، مصرف جمعی خدمات، بهره‌مندی از پتانسیل قدرت جمعی، روش‌های انعطاف‌پذیر براوردن نیازها
	- فقر و نارضایتی سکونتی فزاینده	این‌همانی با فضای نیمه‌عمومی نیمه‌خصوصی علاوه بر خانه خود	تسری فعالیت‌های مرتبط با خانه و آشپزخانه به فضاهای نیمه‌عمومی، حضور و تعاملات اجتماعی بالا در معابر، تلفیق فعالیت‌های ضروری و اجتماعی با الگوی گذران اوقات فراغت، امکان مشورت با همسایگان و دوستان در فضای نیمه‌عمومی
رقابت و تنازع درون‌گروهی و فردی با هدف ارتقاء سرمایه‌ها و تصرف فضا	- نزول عدالت اجتماعی	رواج انحرافات اجتماعی (فقدان امنیت) کاربری‌های ناسازگار با سکونت و ناپایداری جمعیتی	جرایم خیابانی بالا، بزهکاری جوانان، وجود مراکز فحشا و فساد، قاچاق مواد مخدر
	- ناکارایی مدیریتی	ناپایداری کالبدی	اشتغال کارگران روزانه / جمعیت شناور، جذب و اشتغال گسترده کارگران افغانستانی در کارگاه‌های چوبی و خیاطی‌ها
- روابط پنهان نهادهای قدرت - سرمایه	- ناکارایی مدیریتی	بی‌کفایتی و عدم شایسته‌سالاری مدیریت شهری	تصرف و تقسیم غیرقانونی زمین‌های کشاورزی، اراضی و املاک فاقد اسناد رسمی
	- روابط پنهان نهادهای قدرت - سرمایه	فساد مدیریتی	ساخت‌وساز غیراستاندارد، ناکافی بودن بازدارنده‌های ساخت و ساز غیرمجاز
		جذب جمعیت فزاینده	اشتغال به کارهای روزمزد، کارگری به‌عنوان شغل غالب، درآمد ناکافی و بیکاری
		جذب جمعیت فزاینده	اشتغال زودهنگام فرزندان جهت کمک به خانواده (فقدان امکان ادامه تحصیل)، ضعف تحصیلی دانش‌آموزان، سطح سواد پایین خانواده‌ها
		جذب جمعیت فزاینده	نامنی تاسیسات خدماتی (برق و گاز)، فقدان پوشش‌دهی تاسیسات گازرسانی، فقدان سیستم برق‌رسانی مکفی، افزایش شدید تراکم جمعیتی در ۱۰ سال اخیر، تراکم ساختمانی بالا، افزایش بی‌سابقه قیمت مسکن در سال اخیر در نسبت با امکانات موجود، فقدان سیستم آبرسانی مکفی، بی‌کیفیتی سیستم آب و برق‌رسانی جدید، فقدان پارکینگ عمومی، عدم دسترسی به امکانات شهری مانند تحصیل، بیمارستان، فضای سبز و غیره، مشکلات عمده ترافیکی
		جذب جمعیت فزاینده	دستیابی به سرپناه، فزاینده‌های مالیاتی و کاری، مقرون به‌صرفه‌بودن، امکان اشتغال، امکان پس‌انداز بیشتر به‌دلیل پایین بودن هزینه‌ها، عدم پرداخت هزینه‌های شهری، کمک خیرین، مجاورت با خطوط مترو تهران، مجاورت با مرکز تهران به‌عنوان مزیتی عالی
		بی‌کفایتی و عدم شایسته‌سالاری مدیریت شهری	فقدان نظارت کافی دهیاری، نامناسب بودن کیفیت ارائه خدمات شهری، غیربومی بودن اعضا شورای دهیاری، مکفی نبودن بازدارنده‌های ساخت‌وساز غیرمجاز، وجود جمعیت شناور بسیار و دشواری برنامه‌ریزی، فقدان هماهنگی و انسجام مدیریتی
		فساد مدیریتی	مشارکت مسئولان حقیقی دهیاری در زمین‌خواری، رانت‌خواری و سوداگری زمین، فامیل‌سالاری، پنهان‌کاری مسئولین مدیریتی شهری، دریافت رشوه و ارائه جواز توسط دهیاری

مفهوم فرهنگ تلفیقی به حضور اقوام مختلف با آداب و رسوم متفاوت که می‌کوشند از رهگذر تعامل و تساهل و در راستای دستیابی به منافع‌شان گام برداشته و با گذشت زمان، شیوه زندگی پیشین خود را با اجتماع جدید پیوند زنند، اشاره دارد. سکونتگاه غیر رسمی مقصد افراد با قومیت و فرهنگ‌های مختلف است که می‌کوشند خود را با شرایط جدید تطبیق داده و از برهم نهاد فرهنگ‌های مختلف، شیوه زندگی جدید خود را پذیرا شوند و خود را با سکونتگاه و ویژگی‌ها و محدودیت‌های آن هماهنگ نمایند. فرهنگ تلفیقی به‌نوعی نمودار چندصدایی و ارتباط خرد فرهنگ‌ها است. ساکنان در سکونتگاه غیر رسمی به تولید فضای اجتماعی و فرهنگی خود و سپس زیست در آن بر مبنای فرهنگ تلفیقی می‌پردازند که با نیازهای برآمده از سکونت و محدودیت‌های مسکن ایشان همسو بوده و ارتباطی متقابل بین استفاده از فضا و افکار دربرگیرنده تجارب بلادرنگ آنها برقرار می‌سازد. بدین نحو می‌توانند از تجربیات یکدیگر نیز بهره برده و مفهومی از اجتماع را نمود بخشند که به شهروندان حسی از خانه بدهد اما به‌عنوان بخشی از یک زمینه اجتماعی بزرگ‌تر و در غالب فرهنگی تلفیقی که سرنوشت درهم‌بافته ساکنان را متجلی می‌سازد:

با هم سلام علیک داریم و در طی زمان همدیگر را شناختیم و با هم کنار اومدیم. به آنها دختر می‌دهیم، از آنها دختر می‌گیریم، مثلاً این‌جا با لرها وصلت داریم با ترک‌ها وصلت داریم (IN-R9). اینجا هر کسی تو خودش به رسمی داره ولی احترام هم هست (IN-R1).

مفهوم دیگر، پیوندها و همراهی گروهی و وجود تعاملات اجتماعی بالاست که مبین آن دسته از روابط جمعی است که به ساکنان در راستای غلبه و تحمل سختی‌ها کمک کرده و از رهگذر ارتباط با یکدیگر، خیر داشتن از حال همدیگر و همدردی و یاری به هم‌نوع را سبب گشته و می‌تواند منجر به ایجاد نوعی احساس رضایت از زندگی از طریق تعلقات عاطفی به اجتماع و محل سکونت شود. مهاجرت فامیلی، از تباطات قومی و همشهری بودن، مناسبات خانوادگی مستحکم را شدت بخشیده و روابط همسایگی و حس همدردی گروهی ناشی از تجربه، فعالیت‌ها و دشواری‌های مشترک سبب تقویت پیوندهای عاطفی می‌شود. مفهوم مذکور از هشت کد یا انتزاع پایین‌تر تشکیل شده که در جدول (۱) بدان‌ها اشاره شده است:

مثلاً من بعد از عید خانه زهرا رفتم و به او گفتم می‌خواهم بروم عروسی و لباسم تکراری است یهو تا من از دستشویی بیرون بیایم دیدم کمد دیواری همه بیرون اومده و هر چی لباس داشته را بیرون آورده به همچین چیزی در تجریش اتفاق نمی‌افتد برای همین است که ما مردم خود مرتضی‌گرد را دوست داریم حتا یک لباس هم می‌آورد معرفتش برابیم کافی بود، چنین چیزهایی در بالا شهر کم اتفاق می‌افتد (IN-R۴).

حدود سی سال است که اینجا زندگی می‌کنم و قدیمی محسوب می‌شوم و تقریباً از اول ابتدایی اینجا آمدیم. قبلاً فقط پدر بزرگم اینجا بودند اما الان تقریباً همه فامیل جمع‌اند، قبلاً مستأجر بودیم در اردبیل، الان اینجا صاحبخانه هستیم. بعضیها اینجا را دوست دارند و می‌گویند فامیل‌های من اینجا هستن اینجا را دوست داریم. چون معمولاً فامیل‌ها با هم به اینجا آمدند، وجود فامیل‌ها به لحاظ روحی برای ما خوب است (IN-RA).

مفهوم بعدی نظارت اجتماعی غیر رسمی و برآمده از روابط گسترده قومی، فامیلی، همسایگی، آشنا بودن‌ها و کنترل‌های طبیعی حاصل از آنها توسط ساکنان و به‌ویژه زنان و مادران به جهت حضور بیشتر در فضاهای عمومی به‌عنوان امتداد فضاهای درونی و تعامل در فضاهای مذکور است که می‌تواند به شکل‌گیری چشمان خیابان نیز منجر شود. ساکنان با به‌کارگیری تمهیداتی تلاش می‌کنند تا کمبود فضا در درون منازل خود را جبران نمایند. این کار غالباً با استفاده از بخشی از فضای عمومی به عنوان امتداد فضای درونی خانه انجام می‌شود که این امر سبب حضور و آشنایی هر چه بیشتر افراد با یکدیگر در فضاهای عمومی شده و نوعی فضای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی را ایجاد می‌نماید. حضور مداوم در فضا سبب نظارت غیر رسمی بر آن گشته و از طریق روابط اجتماعی نزدیک، پیام‌ها به سایر افراد نیز می‌رسد:

روابط ما با همسایه‌ها خوب است مثل یک خانواده شده‌ایم. تقریباً همه همدیگر را می‌شناسیم (IN-R18).

رفت‌وآمدهای خانوادگی و فامیلی خیلی زیاد است. تقریباً ده دوازده تا روستا است که نزدیک هم بوده‌اند و آمده‌اند (IN-R16).

مفهوم دیگر، سیاست مقاومت و مخالفت و فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی است و بیانگر استراتژی‌هایی است که به ساکنان امکان تسهیل شرایط دشوار پیش‌رو، جبران کمبودها و غلبه بر محدودیت‌های موجود، از رهگذر فرهنگ پایش، مذاکره و چانه‌زنی جهت دستیابی به اهداف‌شان را می‌دهد. در چنین زیستی، شهروندان به حاشیه رانده شده فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی در راستای دستیابی به ملزومات زندگی از جمله حق دسترسی به زمین، تأسیسات زیربنایی و خدمات را از ابتدا می‌آموزند و انواع روش‌های دور زدن بازدارنده‌های ساخت و ساز غیرمجاز را جهت دستیابی به سرپناه، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نیازهایشان، به‌کار می‌گیرند. ایشان

سازوکارهای مختلفی را جهت مهیا کردن زیرساخت‌های زندگی شهری از خلال «اندیشه‌ورزی جمعی» و «آشکارسازی مناسبات درون‌گروهی» به کار می‌گیرند و در فعالیت‌های بی‌واسطه هر روزه برای سهم داشتن در خدمات شهری یا «مصرف جمعی» مبارزه می‌کنند. بنابراین، ساکنان این سکونتگاه‌ها افرادی هستند که برای بقا می‌جنگند و گرچه به‌ظاهر بی‌قدرت هستند لیکن، نمی‌نشینند تا کسی سرنوشت حیات‌شان را رقم بزند، بلکه در تضمین بقای خویش فعال‌اند. به طوری که توسل به مکانیسم‌های تطابق در زندگی واقعی در میان آنها کاملاً رایج است و تلاش می‌کنند تا از هر فرصتی برای مقاومت و پیشرفت در زندگی خویش بهره ببرند. بسیاری از ساکنان مذکور، بر مبنای فرهنگ جاری در مکان زندگی خود، فرصت پیشرفت را نیز به‌وجود آورده و سیاست مخالفت و مقاومت را سازماندهی می‌نمایند و در آن درگیر می‌شوند:

خیلی سعی می‌کنم ما رو ببیچونم، ما هم حواسمون جمه، مثلاً مصالح رو هزار جا قایم می‌کنم. البته اون جاده خاکی رو دیدین که از بغل اتوبان میومد تو مرتضی‌گرد، از اونجا که بیان دیگه ما نمی‌فهمیم. هرچی هم می‌گیم اونجا مأمور بذارید فایده نداشته، یا مثلاً ببندنش، تابلو هم زدیم ورود مصالح ممنوع. با کامیون و وانت که بیان می‌گیریمشون ولی وقتی تو ماشین جاساز کنن ما چی کار کنیم (IN-R18).

برق ما امامی است و تازه دارند کنتور می‌دهند اینجا همه دزدند. الان بیشتر خانه‌ها با همین لوله‌های آب غیرقانونی گاز کشیده‌اند (IN-R3).

توی همین خیابون فرحمند جمعه بازار هست که معمولاً چیزایی که بخوایم رو از اینجا می‌خریم. هرکی هرچی داره یا تو خونه درست می‌کنه میاره می‌فروشه (IN-R4).

یک زمان شهرداری اجازه نمی‌داد که بسازند بعد مردم خیلی بی‌شعور بازی درآوردند، کفن پوشیدند و در مرتضی‌گرد دراز کشیدند و به شهرداری گفتند بیا ما را بکش، بذار ما بسازیم که حتی خانه دایی من هم خراب کردند، چرا که بیشتر از سه طبقه نمی‌توانستند بسازند، آنهایی که بیشتر می‌ساختند را با خاک یکسان کردند. مثلاً تیر آهن روی صورت زندایی من افتاد و از آنجایی که دایی من برای زمین پول داده بود باز هم اصرار بر ساخت و ساز در همین منطقه می‌کرد که قبول نمی‌کردند چون می‌گفتند سند ندارد اما بالاخره هرطور بود ساختن (IN-R4).

اینجا مردم هرطور شده خودشون رو با شرایط تطبیق می‌دن چون اولاً چاره‌ای ندارن، ثانیاً که اگه بتونن دوام بیارن، براشون سود داره و می‌تونن پول بیشتری جمع کنن (IN-R11).

و در نهایت، آخرین مفهوم در این مرحله از سکونت، این‌همانی با فضای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی^۱ علاوه بر خانه خود است و بیانگر روش‌هایی است که از خلال آنها ساکنان و به‌ویژه زنان، تلاش می‌کنند با انجام برخی از فعالیت‌های مرتبط با خانه‌داری، کمبود فضای موجود در خانه را جبران کرده و همچنین با تعامل و ارتباط با یکدیگر، حضور در فضایی دل‌بازتر - فضای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی - را تجربه نمایند. بر این اساس، فضای مذکور، به‌عنوان امتداد بخشی از فضای خانه قلمداد شده و با گسترش ارتباطات، تنش‌های ناشی از ناملایمات سکونتی از رهگذر بیان و همدردی کاهش یافته، همفکری و بازیابی راه‌حل‌های جدیدی نیز انجام می‌گیرد. بر همین اساس است که شیوه سکونت و فرهنگ زیستی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی با شیوه سکونت در سایر سکونتگاه‌ها متفاوت است. همین امر سبب می‌شود نحوه استفاده از فضا به گونه‌ای دیگر شکل گیرد. چراکه در سکونتگاه‌های غیر رسمی به دلیل محدودیت‌های متعددی همچون ویژگی‌های کالبدی خانه، مانند مساحت کم، و همچنین آسیب‌پذیری در برابر نیروهای بیرونی، مفهوم سکونت از ویژگی درونی بودن خود برخوردار نیست و به فضای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی نیز تسری پیدا کرده است:

خانم‌ها بعضی وقتا با هم کار گروهی هم می‌کنن، شاید خانم‌ها روابطشان با هم نزدیکتر است. مثلاً همین کوچه بغل یک لباس‌فروشی زنانه است که ۱۰ ۱۵ تا خانم آنجا جمع می‌شوند و صحبت و کار می‌کنند. خیلی‌ها هم کار در خانه می‌آورند. بسته‌بندی، منگنه‌کردن، بعضی‌ها اگر مجبور باشند به جایی می‌رون (IN-R11).

پس از دستیابی به مفاهیم در این مرحله از سکونت، با حرکت سیال ذهن و فارغ از قید و بند، طیف‌های مفهومی در این مرحله از سکونت که شامل سرمایه اجتماعی (محدود کننده و پیوند دهنده)، پیشروی آرام با توسل به قدرت و اندیشه‌ورزی جمعی، همبستگی فضایی و احساس تعلق جمعی در سطحی بالاتر از انتزاع نمودار می‌گردند و مقوله معنابخشی به سکونت در چارچوب خانواده‌ای بزرگ شکل می‌گیرد.

در واقع، طیف مفهومی سرمایه اجتماعی بیانگر مفاهیمی است که ساکنان از رهگذر آنها در راستای بهینه‌سازی شرایط زندگی خود و جبران کمبودها و سرمایه اقتصادی موجود تلاش کرده و نوعی پیشروی آرام با توسل به قدرت و اندیشه‌ورزی جمعی نیز فراهم می‌آورد که مهم‌ترین منشأ آن همبستگی فضایی مبتنی بر سکونتگاه است. ساکنان تلاش می‌کنند در راستای غلبه بر موانع، پس‌زدگی‌های جامعه بزرگ‌تر، راه دشوار پیش‌رو و جبران کاستی‌های موجود، در چارچوب خانواده‌ای بزرگ، مفهوم سکونت را از رهگذر اتحاد خود و حس حمایت مقاومتی تجلی بخشیده، مقاومت و همبستگی عمومی با هدف بقا را بازتولید نمایند. به دیگر بیان، به دلیل موانع و مشکلات موجود و به‌ویژه فقدان آرامش روانی خانه، که از مهم‌ترین فاکتورهای آن در فرهنگ ایرانی امنیت تصرف و مالکیت رسمی به مفهوم چهاردیواری اختیاری است، و در راستای جبران این کمبود، زندگی در چارچوب خانواده‌ای بزرگ رخساره نموده، هویت و قدرت جمعی را سبب می‌شود. این موضوع گونه‌ای از مبارزه سکونتی است که به جای آرامش متداول خانه، مخالفت، مقاومت و تکاپوی مداوم را با خود به‌همراه دارد و در واقع معنایی متناقض از سکونت را در ذهن ساکنان متبلور می‌سازد: ایجاد آرامش از طریق تکاپوی مداوم به جای سکون، سکوت و معنابخشی به سکونت (زندگی) در چارچوب خانواده‌ای بزرگ و احساس تعلق جمعی که مقاومت و همبستگی جمعی با هدف بقا را نمود بخشیده و آرامش خانه و سکونت را از طریق پیوند و زندگی در خانواده‌ای بزرگ و وجود سامانه‌های حمایتی قوی فراهم می‌نماید. بنابراین، به دلیل انبوه مشکلات پیش‌رو به‌عنوان عوامل زمینه‌ای، از جمله فقدان امنیت تصرف، فقدان اشتغال پایدار، ناکارایی کمی-کیفی زیرساخت‌های شهری و از همه مهم‌تر به رسمیت نشناختن سکونتگاه توسط حکومت، استراتژی‌های همبستگی و همراهی گروهی-فضایی، هویت و پیوندهای جمعی جهت پیگیری و دستیابی مطالبات، سیاست مقاومت و مخالفت و پیشروی آرام با توسل به قدرت و اندیشه‌ورزی جمعی و به بیانی کامل‌تر معنابخشی به سکونت در چارچوب خانواده‌ای بزرگ در دستور کار قرار می‌گیرد.

لیکن جریان سکونت در ادامه و با ورود مدیریت رسمی به سکونتگاه با تغییراتی همراه شده و به گونه‌ای متفاوت معنا می‌یابد که کدها، مفاهیم، طیف‌های مفهومی و مقولات دیگری نمایانگر این مرحله هستند. اولین مفهوم در این مرحله از سکونت انحرافات اجتماعی و فقدان امنیت بیانگر آن دسته از عواملی است که شرایط زندگی را با دشواری‌های بسیار مواجه کرده و مانعی جدی در دستیابی به آرامش و سکون موجود در مفهوم سکونت تلقی می‌گردند. در سکونتگاه‌های غیر رسمی به دلیل فقدان اشتغال پایدار، مشکلات معیشتی بسیار و در نتیجه عدم آرامش روانی، قاچاق مواد مخدر و بزهکاری و دیگر انواع انحرافات اجتماعی رواج داشته و این امر سبب کاهش امنیت در فضا می‌شود. در طول زمان این امر نه‌تنها می‌تواند سکونتگاه را به مکانی جاذب برای انواع بزهکاران تبدیل نماید و سبب افزایش حضور ایشان در مکان شود بلکه، می‌تواند سبب بدنامی و در نتیجه کاهش قابل توجه کیفیت فضایی در آنها شود. در واقع، از آنجا که دگردیسی مفهوم سکونت به‌وقوع پیوسته و فازهای سکونت‌تغییر می‌یابد، مفهوم چشم‌ناظر در مرحله اول سکونت که زندگی در چارچوب خانواده بزرگ است، وجود داشته و به امنیت منجر می‌شود. لیکن، در مرحله بعدی سکونت و با نمود رقابت، تناقض و فرو ریختن خانواده بزرگ، امنیت سکونت نیز از بین رفته و انحرافات اجتماعی موجود در سکونتگاه که به‌عنوان اشتغال سیاه از ابتدای شروع فرایند سکونت وجود داشت اما در لایه‌های پنهان و آشکار نبود، شدت گرفته و همچنین،

آشکار می‌شود تا آنجا که امنیت موجود را زیر سؤال می‌برد.

به چیزی بهت بگویم نمی‌دانم به گوشت خورده یا نه، اما محله خاک سفید که اون سال ریختند و جمع شد، الان دو سال است که در اینجا هستند، افتضاح شده، مثلاً چند وقت پیش یک خانم را برای طلاهایش نزدیک بود بدزدند، که گفت طلا نیست و بدلی است، مثلاً من خودم غروب به بعد بیرون نمی‌روم، خریدهایم را هم عصر پسرم انجام می‌دهد ولی در کل امنیت ندارند، زن بدیخت داشته راه می‌رفته و در راه زنجیرش را از گردنش کشیدند این فقط مختص اینجا نیست کل کشور اینجوری است (IN-R10).

یکی را دار زده بودند دیروز سر قاچاق و اینها (IN-R3).

در کوچه پس‌کوچه‌های مرتضی‌گرد مردم برای هزار تومان آدم می‌کشند (IN-R4).

مفهوم دیگر در این مرحله، کاربری‌های ناسازگار با سکونت و ناپایداری جمعیتی است که نشان‌دهنده کاربری‌هایی است که نقشی دوگانه ایفا می‌کنند؛ از سویی ناسازگار و مخل آسایش بافت مسکونی عمل کرده و سبب جذب جمعیت کارگر به منطقه گشته که پیامدهایی منفی همچون نا امنی و دشواری برنامه‌ریزی، به سبب وجود جمعیت شناور بسیار را با خود به همراه دارد و از دیگر سو، می‌تواند سبب اشتغال ساکنان شده که خود یکی از مهم‌ترین عوامل جذب جمعیت فزاینده است که در هر دو صورت تعادل‌های زندگی را بر هم زده است. مفهوم مذکور به این پدیده دامن می‌زند که در سکونتگاه‌های غیر رسمی، مسکن برخلاف سکونتگاه‌های رسمی، که مکانی به دور از محیط کار و تنش‌های ناشی از آن تعریف می‌شود، در ارتباط کامل با اشتغال و اقتصاد تعریف می‌شود. امری که می‌تواند تا حدی ناسازگاری کاربری‌های موجود با کاربری مسکونی را نیز توجیه نماید. لیکن وجود کاربری‌های جاذب جمعیت و به ویژه جمعیت کارگری نه تنها سبب ازدحام و افزایش تراکم جمعیتی در طول روز در محله می‌شود بلکه، برنامه‌ریزی‌های مدیریتی را نیز می‌تواند با چالش مواجه نماید.

اینجا قبلاً کارتون‌سازی بود الان بیشتر مبل و چوب است، تقریباً می‌توان گفت ۳۰ درصد بازار مبل یافت‌آباد اینجا دارد تأمین می‌شود، مثلاً خیابان نرگس صد درصد تجاری است. همه مبل و صندلی و کارهای چوبی است. برخی در این کارگاه‌ها کار می‌کنند (IN-R9).

مفهوم بعدی فقدان امنیت تصرف، ماحصل اراضی و املاک فاقد اسناد رسمی است که نتیجه تصاحب و تقسیم غیرقانونی زمین‌های کشاورزی و تغییر کاربری آنها به خانه‌هایی است که یکشنبه سر برآورده‌اند. این عامل همواره نگرانی تصاحب زمین‌ها توسط دولت و یا دهیاری را با خود به همراه داشته و می‌تواند به دشواری شرایط زندگی دامن بزند. در واقع، فقدان امنیت تصرف از مهم‌ترین معضلات سکونتگاه‌های غیر رسمی است که سکونت را همواره با فراز و نشیب همراه ساخته و در نتیجه تمهیدات سازمند ساکنان را ضروری می‌سازد. در این سکونتگاه‌ها طی یک فرایند کلی ابتدا زمین اشغال می‌شود و در مراحل بعدی در زمین مذکور مسکن موقتی و یا دائمی با زیرساخت‌های بی‌دوام ساخته و در مرحله آخر مسئله امنیت تصرف مطرح می‌شود.

مادرشوهرم می‌گوید سی سال پیش اینجا هیچی نبود همه‌اش زمین بود، حتی به دونه ماشین نبود و خودشان خانه‌شان را ساخته‌اند (IN-R3)

مفهوم دیگر، ناپایداری کالبدی منتج از ساخت و سازهای یکشنبه جهت دستیابی به سرپناه است، که به عنوان مهم‌ترین عامل در مهاجرت و جذب جمعیت به منطقه، و غیرقانونی و به ویژه استفاده از مصالح کم‌دوام و دست‌دوم است که می‌تواند سبب تشدید دشواری‌های زندگی از زوایای مختلف شود. همچنین، به نظر می‌رسد از سوی نهادهای قانونی و دهیاری نیز نه تنها عزم جدی در راستای کنترل مسئله وجود ندارد، بلکه سود شخصی و فساد مدیریتی به موضوع دامن می‌زند.

همون قسمت ورودی به پاسگاه درست کردند نوشتن ورود مصالح و کامیون و اینا از ساعت چند شب به بعد ممنوع، ولی خیلی فایده‌ای نداشته، یکی از همکاران که اینجا زندگی می‌کند گفت من عید دو هفته رفتم مسافرت برگشتم دیدم روبرویمون ساخته گفتم این جا که بیابونی بود، ظرف دو هفته نمی‌دونم چند طبقه ساخته بود (IN-R1).

مفهوم بعدی در این مرحله از سکونت، فقدان اشتغال پایدار است که نه تنها از مهم‌ترین بسترهای دشواری ساز اسکان محسوب می‌شود و سطوح مختلف زندگی و مفهوم سکونت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند ناهنجاری‌های اجتماعی بسیاری را نیز سبب شود. این عامل به دلایل مختلف ایجاد شده که از مهم‌ترین آنها می‌توان اشتغال به کارهای روزمزد و غیرثابت را برشمرد. از جمله اصلی‌ترین مشاغل روزانه، کارگری در کارگاه‌های چوبی، کولبری (حمل بار کارگاه‌های مرتبط با تولید مبلمان) و سرایداری است که درآمدهای ناکافی و گاه بیکاری و فقدان درآمد را با خود به همراه دارند. بسیاری از افراد به مشاغل غیر رسمی و دستفروشی اشتغال دارند که سبب آسیب‌پذیری آنها شده است. ایشان به قصد کسب درآمد بیشتر و تنها با مهارت کشاورزی، به شهرها مهاجرت می‌کنند. بر این اساس مهارت کافی نداشته و به انجام مشاغل روزمزد مبادرت می‌ورزند.

مادرشون میگن که شوهرم بیکاره یا نمیدونم ورشکست شده یا نمی‌دونم کار موقت داره، جای دیگه نمی‌تونیم بریم مجبوریم اینجا زندگی کنیم (IN-R1).
اکثراً کارگرن، هر جا بشه کار می‌کنن. هر روز به‌جا (IN-R9).
باربری، کولبری، هرکاری که بهشون بدن، می‌کنن. هر روز به کار (IN-R12).
همه شغل‌ها رو داریم اما اکثراً کارگری می‌کنن، بیکار هم که زیاده (IN-R14) و (IN-R16).

مفهوم دیگر، پایین بودن سطح سواد عمومی، نمایان‌گر مشکلات اقتصادی فراوان و در نتیجه اشتغال زود هنگام و اجباری فرزندان جهت کمک به خانواده است که می‌تواند بسترهای پیشرفت آتی فرزندان را خدشه‌دار کرده و به ادامه یافتن شرایط دشوار زندگی ایشان دامن زند. اشتغال زود هنگام جهت کمک اقتصادی به خانواده فرصت کافی جهت ادامه تحصیل را از فرزندان گرفته و ایشان در سنین کم وارد بازار کار می‌شوند و پس از آن به تشکیل خانواده اقدام می‌نمایند. فرزندان دختر نیز در سنین کم ازدواج کرده و تحصیل را رها می‌کنند. دلایل مذکور منجر به پایین بودن سطح سواد عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی می‌شود.

کلاس چهارم رو دوبار افتادم، دیگه نرفتم (IN-R13).

ناکارایی کمی - کیفی زیرساخت‌های شهری مفهوم سطح دوم دیگر در این مرحله از سکونت، عاملی ساختاری است که سبب دشوار شدن شرایط زندگی و نارضایتی گشته و سکونت را با تحمل سختی‌های فراوان همراه می‌کند. این عامل بیانگر انواع نارسایی‌های خدماتی است که شامل ابتدایی‌ترین سطوح از جمله آب و برق تا سطوح بالاتر مانند ترافیک و آمد و شد با کیفیت مطلوب می‌شود که در سطح سکونتگاه به روشنی قابل مشاهده است.

گاز هم نداریم خیلی وقتا برق می‌رود و در زمستان به علت نبود گاز خانه‌ها از المنت استفاده می‌شود که برخی اوقات موجب آتش سوزی می‌شود (IN-R4).

مفهوم دیگر جذب جمعیت فزاینده، بیانگر عواملی است که سبب افزایش جمعیت مرتضی گرد به‌ویژه در ده سال اخیر گشته و نه تنها تعادل جمعیت و امکانات در فضا را برهم زده‌اند بلکه سبب اغتشاش در آرامش فضایی شده و سکونت را با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو کرده‌اند. براساس این عامل، افراد بسیاری به دلایل مختلف، که مهم‌ترین آنها دستیابی به سرپناه و اشتغال است، از نقاط مختلف گرد هم آمده‌اند.

مردم آمدند چون قیمت‌ها پایین بود، همه در اینجا صاحبخانه شدند و همین ارزانی باعث شد همه

به این منطقه ببینند (IN-R8).

ولی خب بعضی‌ها هم کارشان اینجاست مثلاً همین مغازه بغلی ما کارگاه و مغازه‌اش نزدیک خانه‌اش است و به همین خاطر از اینجا نمی‌رود (IN-R5).

مفهوم بی‌کفایتی و عدم شایسته‌سالاری مدیریت شهری، نشانگر کاستی‌های دهیاری به‌عنوان متولی امور مدیریتی از یکسو و ناهماهنگی و کشاکش بین بخش‌داری و شهرداری از دیگر سوست. همچنین، بومی نبودن برخی از اعضای دهیاری و شورا و در نتیجه فقدان ارتباط نزدیک با مسائل و مشکلات موجود و سهل‌انگاری‌های موجود در ارائه خدمات با کیفیت، عامل مذکور را تشدید نموده و وجود جمعیت شناور نیز بر دشواری‌های برنامه‌ریزی افزوده است. همچنین عدم وجود تعریفی مناسب از این سکونتگاه در نظام تقسیمات و تعاریف کشوری که با وجود حدود ۲۵ هزار نفر جمعیت ثابت، همچنان به‌عنوان روستا و با خدمات مرتبط با روستا شناخته می‌شود، تصمیمات مدیریتی را دشوارتر نیز کرده است.

چون دهیاری هم خوب نیست و دهیاری می‌توانست حق ما را نخورد الان آب و برق و گاز همه چی آمده بود. ببین من تو رو انتخاب می‌کنم ولی نمی‌دانم که تو چه جوری کار می‌کنی، الان مثلاً یک خط اتوبوس سه تا منطقه را جواب می‌دهد (IN-R10).

در همین راستا مفهوم دیگر، فساد مدیریتی، نتیجه عدم پابندی به اصول اخلاقی و حرفه‌ای، سوءاستفاده از موقعیت و تأکید بر نفع شخصی به‌جای توجه به مصلحت جمعی است که سبب ایجاد موج گسترده‌ای از نارضایتی ساکنان از مدیریت و افزودن بر شرایط دشوار زندگی گشته و سکونت را همچون بستری جهت دستیابی به امکانات در دسترس گروه‌های اندک و تنازع به‌دلیل حس عقب‌ماندگی از سایرین مبدل کرده است. گروه‌های در رأس به‌جای همراهی و همدردی با مردم تلاش می‌کنند تا هرچه بیشتر از فرصت به‌وجود آمده جهت دستیابی به منافع مادی و اقتصادی خود بهره‌برده و در مقابل ساکنان پاسخگو نیستند.

از ۸۸ خود دهیار ساخت و ساز را آزاد کرد. به‌خاطر خودش، سرک‌کوچه به‌داری را نگاه کنید. یک ۸۸ واحدی است. من که می‌دانستم مال تو است که داری یک ۲۰ طبقه می‌سازی. من هم ساختم. زمانی که آمد به من گفت، گفتم خودت هم که داری می‌سازی. اینجوری شد دیگر از دستشان درآمد، و درگیری پیش آمد، آن موقع اوضاع مملکت هم خراب بود (IN-R11).

پس از دستیابی به مفاهیمی متفاوت در این مرحله از سکونت، بار دیگر با حرکت سیال ذهن و فارغ از قید و بند، طیف‌های مفهومی شامل فقر و نارضایتی سکونت‌ی فزاینده، نزول عدالت اجتماعی، ناکارایی مدیریتی و روابط پنهان نهادهای قدرت- سرمایه در سطحی بالاتر از انتزاع نمودار می‌شوند و مقوله رقابت و تنازع درون‌گروهی و فردی با هدف ارتقاء سرمایه‌ها و تصرف فضا شکل می‌گیرد.

فقر، نارضایتی سکونت‌ی فزاینده و نزول عدالت اجتماعی حاصل افزایش نامتعادل جمعیت در مقابل امکانات، کاستی‌های متعدد مدیریتی در ارائه خدمات و مبارزه با ناهنجاری‌ها و انحرافات مختلف و در نهایت افزایش قابل توجه نارضایتی سکونت‌ی و عدم توجه به نفع و مصلحت جمعی است که سبب رنگ باختن سرمایه اجتماعی موجود گشته و سکونت را به‌صورت رقابت و تنازع درون‌گروهی فزاینده با هدف ارتقاء سرمایه شخصی و سوءاستفاده از زمین، فضا در زمان کاستی‌های نظارتی مناسب بر آن، و در نهایت تصرف هرچه بیشتر فضا، معنا می‌کند. همچنین، ناکارایی مدیریتی و روابط پنهان نهادهای قدرت و سرمایه بیانگر انواع کاستی‌ها و نقصان‌های مدیریتی، عدم تأکید بر کیفیت‌های فضایی و توجه به سود شخصی به جای منفعت جمعی است که مرتضی‌گرد را به مکانی برای کشاکش نهادهای قدرت تبدیل کرده و سبب کم‌رنگ شدن هویت پیشین فضا و سرمایه‌های اجتماعی موجود گشته است. به‌طوری‌که در پس پرده، در تمامی سطوح، از مردم عادی تا مقامات مدیریتی، چندگانگی رفتاری، تزویر و شعار زدگی مشاهده می‌شود.

بنابراین در این مرحله (فاز دوم) از سکونت، به دلیل فشار مالتوسی جمعیت و افزایش بستر دشوار زندگی و مهم‌تر از همه ورود مدیریت رسمی بر سکونتگاه جهت در دست گرفتن امور، برخی از ساکنان از فرصت‌های بیشتری به دلیل برخورداری از رانت و ورود به دستگاه مدیریت رسمی برخوردار می‌شوند و به تبع آن شکل ارتباطات نیز تغییر یافته و دگرذیسی در مفهوم سکونت مشاهده می‌شود. از این ره، رقابت و تنازع بر سر دستیابی به امکانات به‌وقوع پیوسته و سبب اضمحلال همبستگی و حمایت جمعی و نزول سرمایه‌های اجتماعی می‌شود. ناکارایی مدیریتی و روابط پنهان نهادهای قدرت و سرمایه که نشان از بی‌کفایتی و عدم شایسته‌سالاری مدیریت شهری و فساد مدیریتی در سطوح مختلف است نیز، بر فقر و نارضایتی سکونتی دامن زده و نزول عدالت اجتماعی را با خود به همراه دارد. این در حالی‌ست که همچنان رگه‌هایی از سامانه‌های حمایت‌گر در عین رقابت و تنازع وجود داشته و بار دیگر مفهوم متناقض از سکونت در ذهن شهروندان را تداعی می‌کند: تناقض حمایت و رقابت به معنای رقابت و تکاپو به جای سکنی و آرامش. بر این اساس، به‌طور مشخص، تنازع و رقابت درون‌گروهی و فردی با هدف ارتقای سرمایه‌ها و تصرف فضا مشاهده می‌شود.

بحث

درک مفهوم سکونت، از منظر ساکنان در محیط سکونتگاه‌های غیر رسمی با درک متداول این مفهوم در قلمرو سکونتگاه‌های رسمی متفاوت است. این موضوع از تفاوت‌های هستی‌شناسانه و شناخت‌شناسانه که معانی و مفاهیم مرتبط با سکونت را در زمینه تعدیل و هدایت می‌کند و آنها را به چالش می‌کشد، ناشی می‌شود. بنابراین در این پژوهش تلاش شده است با تکیه بر تفسیر داده‌های متنی مصاحبه‌های عمیق و نیز مشاهده‌های میدانی و با تأکید بر کنش و تعامل با مورد پژوهش و حداقل جدایی عینی با ساکنان و مشارکت‌کنندگان پژوهش، تصویری از ادراک ساکنان نسبت به مفهوم سکونت در محیط سکونتگاه غیر رسمی مرتضی‌گرد، ترسیم شود.

لازم به ذکر است که تمرکز بخش مهمی از پیشینه مطالعات سکونتگاه‌های غیر رسمی مرتبط با علل شکل‌گیری (ابراهیم‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹؛ پیران، ۱۳۷۴؛ ۱۳۷۹؛ حبیبی و دیگران، ۱۳۹۱؛ Davis, 2006; De Soto, 2000; Ishtiyag & Kumar, 2011) شیوه زندگی و ویژگی‌ها (ایراندوست و صرافی، ۱۳۸۶؛ بیات، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۱؛ بیرد و دیگران، ۱۳۹۷؛ پرلمن، ۱۳۹۷؛ حبیبی و گرامی، ۱۳۹۷؛ Alsayyad, 2004; Bari, 2016; Benjamin, 2008; Guillermo & Santos, 2011; Lombard, 2014; Roy & AlSayyad, 2004; Westaway, 2016, 2) ساماندهی و مداخله در آنها (زیاری و نوذری، ۱۳۸۷؛ صرافی، ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۷؛ قرخلو و عابدینی، ۱۳۸۷؛ هرائینی و انبارلو، ۱۳۹۵؛ Khalil et al., 2016) و ابعاد اقتصادی و اجتماعی (امیری و کمالی، ۱۳۹۴) در داخل و خارج از کشور بوده و به ریشه‌یابی مفهوم سکونت، چگونگی معنا بخشی و مفاهیم مرتبط با آن پرداخته‌اند. به بیانی دیگر در سکونتگاه‌های غیر رسمی غالب توجه پژوهش‌ها معطوف به ابعاد کالبدی به‌ویژه در زمینه مسکن و سکونت (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۹؛ ایراندوست و تولایی، ۱۳۹۱؛ حاتمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۵؛ موسوی و دیگران، ۱۳۸۹) بوده و ابعاد ذهنی و معنای سکونت در آنها مغفول مانده و در واقع می‌توان گفت بدون در نظر گرفتن مفهوم اصلی حاکم بر زندگی در این سکونتگاه‌ها که همان مفهوم سکونت است، به بیان مسائل و ارائه راهکار برای حل مشکلات آنها پرداخته شده است. این در حالی است که در برخی پژوهش‌ها به مفاهیمی چون حس تعلق (شیخی و دیگران، ۱۳۹۴؛ Kit et al., 2016)، امنیت (Huchzermeyer, 2009)، رضایت‌مندی سکونتی (Westaway, 2006)، سرمایه اجتماعی (خراسانی‌مقدم و دیگران، ۱۳۹۷) و ... اشاره شده که از مهم‌ترین مؤلفه‌های مفهوم سکونت است اما به‌طور کلی هیچ‌کدام از پژوهش‌ها دربرگیرنده مفهوم

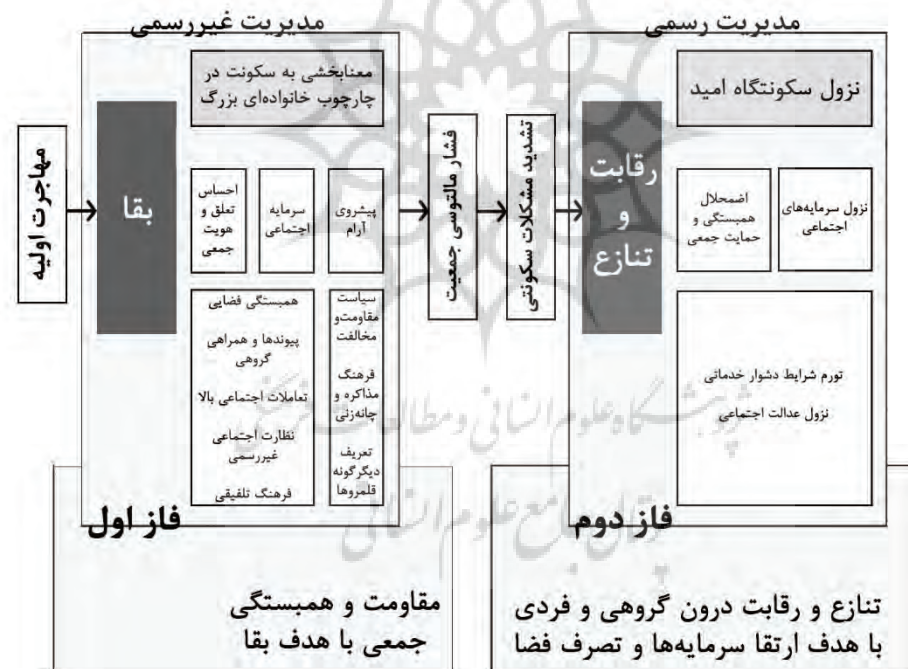
سکونت، به‌طور جامع، و چگونگی معنابخشی به آن نیستند که این موضوع وجه بداعت پژوهش پیش‌روست. در واقع در پژوهش‌های پیشین غالباً، ریشه‌ها و علل شکل‌گیری اسکان غیر رسمی و فاز اول فرایند سکونتی (شکل ۱) مورد بررسی قرار گرفته و با نگرشی عموماً مثبت و در قالب تأکید بر هم‌پیوندی‌ها، اتحاد و قدرت اجتماعی شکل‌گرفته در چارچوب اسکان غیر رسمی، به پدیده مذکور نگریسته شده و مراحل، فاز بعدی سکونتی و علل و چگونگی تغییرات بیان نشده است. بر این اساس، تمایز و بداعت پژوهش حاضر نسبت به سایر نظریه‌پردازان، تلاش در جهت شناسایی فرایند سکونت و شناخت فازهای مختلف سکونتی با معرفی مفهوم سکونت است که این موضوع از رهگذر نگرش کیفی به موضوع، ارتباط بسیار نزدیک با ساکنان و آگاهی از ادراک ایشان از تجربه سکونت در محیط‌های مذکور صورت پذیرفته است.

در این پژوهش تفسیر و تحلیل محتوای ادراک ساکنان، دو مرحله متفاوت و دگردیسی در مفهوم سکونت را نشان می‌دهد: ابتدا، «معنابخشی به سکونت در چارچوب خانواده‌ای بزرگ»، و سپس، چرخش مفهوم و «رقابت و تناقض درون‌گروهی با هدف ارتقای سرمایه‌ها و تصرف فضا»؛ که در واقع، توسعه و بسط پژوهش‌های پیشین در راستای دستیابی به مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی به شمار می‌رود؛ مفاهیمی که بیانگر چگونگی و نحوه دستیابی به مؤلفه‌های معرف سکونت در مفهوم عام از جمله، آرامش، سکنی، ساخت، پروراندن و غیره، لیکن، از راه‌های مختلف هستند.

در واقع، در ابتدا و در مرحله و فاز اول از سکونت، در غیاب مالکیت رسمی و امنیت تصرف، که از مهم‌ترین عوامل تحقق مؤلفه‌های معرف مفهوم سکونت هستند، و در شرایط وجود انواع آسیب‌پذیری‌ها، سکنی و آرامش مورد تقاضا تنها از رهگذر زندگی در چارچوب خانواده‌ای بزرگ و سامانه‌های حمایت‌گر قوی موجود در آن برآورده شده و دستیابی به مؤلفه‌های مفهوم سکونت را فراهم می‌کند. هرچند به برخی از مؤلفه‌های نمایانگر مفهوم سکونت در مطالعه‌های پیشین اشاره شده، لیکن در این پژوهش معانی آنها از دیدگاه ساکنان به عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش تدقیق شده است. زندگی در چارچوب خانواده‌ای بزرگ مبتنی بر سرمایه‌های اجتماعی بالا، احساس تعلق جمعی، همبستگی فضایی و پیشروی آرام با توسل به قدرت و اندیشه‌ورزی جمعی و مفاهیم مرتبط با هر یک، که ساکنان از روش‌های مختلف جهت دستیابی به آنها به‌عنوان استراتژی‌های بقای خویش تکاپویی مداوم دارند، مفاهیمی هستند که به بسیاری از آنها پیش از این اشاره نشده است. بنابراین، ساکنان در تضمین بقای خویش فعال‌اند تا بتوانند بر ناملایمات فائق آیند و اعتقاد دارند که زندگی آن چیز است که ایشان می‌توانند در هر جایی با شادی آن را بسازند؛ در این میان همبستگی فضایی و احساس تعلق جمعی و قوی حاصل آمده و تعریفی دگرگونه از محافظت‌کردن، ماندن، ساختن، مکان بودن و در نهایت سکونت جلوه‌گر می‌شود که در بهره‌وری‌های جمعی از خدمات، امکانات و حتی فضاهای شهری با صراحت و آشکارا نمود می‌یابد؛ زیرا در خانواده (بزرگ) چیزی برای پنهان کردن در راستای اتحاد جمعی، بقاء و اعتماد گروهی و در نهایت ارتقای کیفیت زندگی در جهت سازندگی وجود ندارد. مکانی که در آن «گرسنگی عاطفی» برطرف شده، عزت نفس، شکوفایی ظرفیت‌های انسانی، حس شخصیت و هویت مشاهده گشته و فقدان «امنیت تصرف» و آسیب‌پذیری‌های ناشی از آن که در مالکیت غیر رسمی نمود می‌یابد، از طریق پیوندهای گروهی جبران می‌شود.

در ادامه مسیر و وقوع تغییراتی همچون ورود مدیریت رسمی و با افزایش روند مهاجرت و عدم فراهم‌سازی امکانات کافی، شرایط به‌گونه‌ای دیگر تغییر یافته، مفهوم سکونت دچار دگردیسی شده و مرحله‌ای جدید (فاز دوم) آغاز می‌شود. به‌علت ورود مدیریت رسمی بر سکونتگاه جهت در دست گرفتن امور، برخی از ساکنان از فرصت‌های بیشتری به دلیل برخورداری از رانت و ورود به دستگاه مدیریت رسمی برخوردار می‌شوند و به‌تبع آن شکل ارتباطات نیز تغییر می‌یابد. از دیگر سو، فشار مالتوسی جمعیت و افزایش بستر دشوار زندگی به‌دلیل

فقدان خدمات کافی، رقابت و تنازع بر سر دستیابی به امکانات به وقوع پیوسته و سبب اضمحلال همبستگی و حمایت جمعی و نزول سرمایه‌های اجتماعی می‌شود. ناکارایی مدیریتی و روابط پنهان نهادهای قدرت و سرمایه که نشان از بی‌کفایتی و عدم شایسته‌سالاری مدیریت شهری و فساد مدیریتی - که توسط ساکنان سکونتگاه مرتضی‌گرد به آن اشاره شد - در سطوح مختلف است نیز، بر فقر و ناراضی‌های سکونتی دامن زده و نزول عدالت اجتماعی را با خود به همراه دارد. فساد مدیریتی موجود در سکونتگاه مرتضی‌گرد در واقع، پیامد بهره‌وری‌های فردی هرچه بیشتر از منافع جمعی و سوءاستفاده از جایگاه در دستیابی به خدمات، امکانات و به‌ویژه زمین‌ها و امکانات ساخت و ساز است که به چند دستگی و تفرقه دامن زده، اتحاد ساکنان را می‌گسلد. بر این اساس، به‌طور مشخص، تنازع و رقابت درون‌گروهی و فردی با هدف ارتقای سرمایه‌ها و تصرف فضا مشاهده می‌شود. رواج انحرافات اجتماعی به دلیل از بین رفتن حس تعلق و حس مسئولیت نسبت به سکونتگاه و در راستای رو آوردن به اشتغال کاذب و سیاه و ورود مهاجران جدید از طبقه خرافکار با هدف سوءاستفاده از شرایط و گسیختگی‌های موجود به دلیل فقدان نظارت طبیعی اجتماعی و دولتی و دستیابی راحت‌تر به منافع نیز از مهم‌ترین مشکلاتی است که به ناامنی در بستر سکونتگاه و در نتیجه بدنامی آن دامن زده و اضمحلال آن را شدت می‌بخشد و می‌تواند زمینه‌های خروج برخی از ساکنان و جایگزینی افراد دیگری را در مراحل بعدی سکونت فراهم نماید. شکل (۳) فرایند دگرذیسی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی را نشان می‌دهد.



شکل ۳. فرایند دگرذیسی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی

نتیجه‌گیری

سکونتگاه‌های غیر رسمی پدیده‌هایی پیچیده‌ای هستند که سکونت در آنها گاه از طریق زندگی در چارچوب خانواده‌ای بزرگ و احساس تعلق جمعی و گاه به‌واسطه رقابت و تنازع درون‌گروهی و دستیابی به آرامش از طریق ارتقای سرمایه‌ها و تصرف فضا معنا می‌یابد. در این پژوهش، تفسیر و تحلیل محتوای ادراک ساکنان، دو مرحله و دگرذیسی متفاوت را در مفهوم سکونت نشان می‌دهد: اول، «معنابخشی به سکونت از رهگذر زندگی

در چارچوب خانواده‌ای بزرگ» که از طریق تحلیل محتوای مبانی نظری و مرور ادبیات پیشین نیز استنباط می‌شود و بنابراین با نتایج تحقیقات قبلی هم‌راستا است (Bayat, 2000; Perlman, 2004; Drivdal, 2016; Harris & Little, 2019; Vertigans & Gibson, 2019; Vivier & Sanchez-Betancourt, 2020). دگردیسی مفهوم و «رقابت و تعارض درون‌گروهی و فردی برای افزایش سرمایه و تصرف فضا»، که در واقع، می‌تواند بسط تحقیقات پیشین مانند تحقیقات ایراندوست و صرافی (۱۳۸۶) و پرلمن (۱۳۹۷) به شمار آید. بر این اساس، تمایز و بداعت پژوهش حاضر نسبت به سایر نظریه‌پردازان، تلاش در جهت شناسایی فرایند سکونت و شناخت فازهای مختلف سکونتی با معرفی مفهوم سکونت است که این موضوع از رهگذر نگرش کیفی به موضوع، ارتباط بسیار نزدیک با ساکنان و آگاهی از ادراک ایشان از تجربه سکونت در محیط‌های مذکور صورت پذیرفته است.

بنابراین، توجه به هم‌صدایی فرهنگ‌های متنوع و متضاد، بازتاب‌پذیری و تفکر انتقادی در برنامه‌ریزی و طراحی سکونتگاه‌های مذکور، با توجه به تنوع فرهنگی و آسیب‌پذیری ساکنان وارد شده به آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که فرهنگ عنصر غالب و تعریف‌کننده فضا به‌شمار آمده و شناسایی گروه‌های چندگانه اجتماعی، نیاز به آگاهی چندفرهنگی و نوع جدیدی از سیاست‌های دموکراتیک برای برنامه‌ریزی دارد که باید بیشتر مردم‌محور، با تکیه بر خرد عملی و کسب دانش مناسب از طریق روایت‌ها و اشکال گوناگون دیداری باشد؛ فرهنگی که احساس بینابینی را برای ساکنان به همراه داشته و حاصل پیوند جامعه‌مبدأ و مقصد بوده و علاوه بر جنبه‌های عینی و کالبدی، بر جنبه‌های ذهنی و ادراکی ساکنان نیز تأکید نماید. نتایج این پژوهش همچنین بیانگر آن است که مفهوم سکونت و نحوه دستیابی به مؤلفه‌های آن در جوامع و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است.

در نهایت می‌توان به موارد زیر به عنوان مهم‌ترین کاربردهای این تحقیق اشاره کرد:

۱. مهم‌ترین یافته این پژوهش شناخت مفهوم سکونت، تغییرات و دگردیسی‌های آن از رهگذر پژوهشی کیفی است. در جریان این تحقیق، قضایا و فرضیه‌هایی که روابط بین مفاهیم شکل‌دهنده مفهوم سکونت در هر مرحله از زندگی را بیان می‌کنند، ایجاد شده است که می‌تواند به اندازه‌گیری این فرضیه‌ها از طریق ابزارسازی در تحقیقات آتی منجر شود.
۲. ارائه دیدگاه‌های مختلف در سکونتگاه‌های غیر رسمی مختلف می‌تواند به توسعه مفاهیم و قابلیت‌های تبیین آنها کمک کند.
۳. با توجه به گستردگی تحقیقات می‌توان مفاهیم مرتبط با شرایط کلان ساختاری به‌ویژه اقتصاد سیاسی و تأثیر آن بر سکونتگاه‌های غیر رسمی را توسعه داد.
۴. مراحل و فرایند بیان شده در تحقیق و میزان تحقق هر یک از آنها در سکونتگاه‌های غیر رسمی مختلف قابل ارزیابی کمی و کیفی است.
۵. فرایند بیان شده می‌تواند در ادامه مسیر تکامل یافته و تغییرات دیگری را در ادامه حیات سکونتگاه غیر رسمی مذکور و سایر سکونتگاه‌های غیر رسمی رقم بزند که قابل پیگیری در تحقیقات آتی خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. به‌ویژه آنکه در دنیای پسانوگرا مردمان نوعاً درگیر احساس بی‌خانمانی ذهنی (کلنر، برگر و برگر، ۱۳۸۱) هستند و بالاخص در کلانشهرها، حیات ذهنی در معرض انواع مشکلات قرار می‌گیرد (زیمل، ۱۳۷۲).
- همچنین، برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: فراستخواه، مقصود (۱۳۹۹). ذهن و همه چیز؛ طرحواره‌هایی برای

- زیستن، کرگدن، تهران.
۲. خصوصاً در جوامعی مثل جامعه ایران که خاطره جمعی مزمّن و تاریخی از ناپایداری و نا امنی بر ذهن او سنگینی می‌کند (فراستخواه، ۱۴۰۰).
۳. دلیل انتخاب سکونتگاه غیر رسمی مرتضی‌گرد به‌عنوان مورد پژوهش، کم بودن و در مواردی فقدان پژوهش انجام شده بر روی مورد مذکور به علت شکل‌گیری جدید و به‌طور مشخص از سال ۱۳۸۸ به بعد و در نتیجه دستیابی به داده‌های بدیع‌تر و بالابردن وجه بداعت پژوهش و همچنین، انطباق با معیارهای معرف سکونتگاه‌های غیر رسمی است. برای آشنایی با معیارهای مذکور رجوع کنید به:
- احمدی، سارا، و حبیبی، میترا (۱۳۹۸). بازشناسی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی مبتنی بر تجارب جهانی، فصلنامه صفا، ۸۷، ۵۹-۸۴.
- لازم به ذکر است که پیش از انتخاب مرتضی‌گرد، چندین سکونتگاه غیر رسمی به صورت اولیه مطالعه شده و نتایج مشابهی با نتایج مقاله حاضر به دست آمد لیکن، جهت تعمیق نتایج، و با توجه به دو فاکتور بداعت در انتخاب مورد پژوهش و پرهیز از بررسی مواردی که بارها به آنها پرداخته شده، و انطباق با معیارهای معرف سکونتگاه‌های غیر رسمی در گونه مدنظر، که در مطالعات پایه و در مبانی نظری و پیشینه بررسی شده شناسایی شده‌اند، مرتضی‌گرد انتخاب شد.
۴. اگرچه سکونتگاه‌های غیر رسمی به‌طور کلی فقیرنشین در نظر گرفته می‌شوند، اما انواع، روند تشکیل و الگوهای گوناگونی دارند که بر اساس نظریات مختلف گونه‌شناسی شامل سکونتگاه‌های غیر رسمی درون شهری، سکونتگاه‌های حاشیه کلانشهرها و شهرهای بزرگ (واقع در مناطق کلانشهری)، سکونتگاه‌های غیر رسمی حاشیه شهرهای متوسط و کوچک و اسکان مجدد می‌شوند (Ishtiyag & Kumar, 2011, 39-40). به دلیل اهمیت کلانشهرها و شهرهای بزرگ و جذب جمعیت و در نتیجه تعداد و جمعیت بیشتر سکونتگاه‌های غیر رسمی شکل گرفته در اطراف آنها، همچنین، قابلیت شناسایی شیوه زندگی متفاوت در آنها نسبت به گونه اول، به دلیل واقع شدن در دل شهرها و در نتیجه تأثیر بیشتر زندگی و فرهنگ شهری بر ایشان، پژوهش پیش‌رو این گونه از سکونتگاه‌ها را مدنظر قرار داده و اهداف تحقیق در راستای پاسخ به سؤالات مطروحه در بستر این دسته از سکونتگاه‌های غیر رسمی است. لازم به ذکر است که سکونتگاه انتخابی (مرتضی‌گرد) در ابتدا روستایی منفصل از شهر تهران و البته واقع در منطقه کلانشهری تهران بوده که در روند رشد بسیار شتابان در بازه زمانی ۱۰ ساله قرار گرفته است.
۵. حیات ذهنی و اجتماعی انسان سرشتی فضاگون دارد؛ فضا مندم است. بودن ما در این عالم و حیث ادراکی و التفاتی‌مان مشحون از فضا است. فضا، امری شناختی، هنجاری و عاطفی است. ما به واسطه فضا مندی خویش، بار بودن را بر دوش می‌کشیم؛ خصوصاً فضای سه که حاوی تجربه‌های زیسته‌مان است، از پرکنیسی‌ها و اعمال زندگی روزمره ما برمی‌آید و عمیق‌ترین ایماژها و احساس‌ها و انگیزش‌ها و معانی ما را پوشش می‌دهد. سکونت در حقیقت همان حس بودن در فضا است و نیاز عمیق ما به صورت‌بندی فضایی زندگی در شخصی‌ترین و خصوصی‌ترین سطح آن را به نحو نمادین و ادراکی و احساسی و هیجانی فراهم می‌آورد (فراستخواه، ۱۳۹۵، ۱-۲).
۶. جهت شرح مفهوم سکونت، ارتباط و شرح روشن‌تری برای رسیدن به شکل رجوع کنید به: احمدی، سارا، حبیبی، میترا (۱۳۹۸). بازشناسی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی مبتنی بر تجارب جهانی، فصلنامه صفا، شماره ۸۷، ۵۹-۸۴. همچنین لازم به ذکر است که این مقاله در امتداد، مبتنی و ادامه پژوهش مذکور در بالا است.
۷. رجوع کنید به:
- احمدی، سارا، حبیبی، میترا (۱۳۹۸). بازشناسی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی مبتنی بر تجارب جهانی، فصلنامه صفا، ۸۷، ۵۹-۸۴.
8. Manifest Inductive Qualitative Content Analysis
۹. با توجه به اینکه بخش مهمی از چگونگی و نحوه دستیابی به مؤلفه‌های مفهوم سکونت و معنابخشی آن در سکونتگاه‌های غیررسمی، کاملاً وابسته به ذهنیت ساکنان است، مناسب‌ترین شیوه برای تحقق هدف پژوهش بررسی تجربه ساکنان و معانی تجربه ایشان از سکونت در محیط‌های مذکور است.
۱۰. در سکونتگاه‌های غیررسمی به دلیل محدودیت‌های متعدد همچون ویژگی‌های کالبدی خانه، مانند مساحت کم، و همچنین آسیب‌پذیری در برابر نیروهای بیرونی، مفهوم سکونت از ویژگی درونی بودن خود برخوردار نیست و به فضای نیمه عمومی-نیمه خصوصی نیز تسری پیدا کرده است. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:
- احمدی، سارا، حبیبی، میترا (۱۳۹۸). بازشناسی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی مبتنی بر تجارب جهانی، فصلنامه صفا، ۸۷، ۵۹-۸۴.

فهرست منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی، وارثی، حمید، و اکبری، محمود (۱۳۸۹). نقش مهاجرت‌های روستایی در اسکان غیر رسمی مطالعه موردی: متروپل اهواز. پژوهش‌های روستایی دانشگاه تهران، ۱، ۵۱-۵۸.
- احمدی، سارا، و حبیبی، میترا (۱۳۹۸). بازشناسی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی مبتنی بر تجارب جهانی. صفت، ۸۷، ۵۹-۸۴.
- اسماعیل‌پور، نجما (۱۳۸۹). بررسی وضعیت مسکن در سکونتگاه‌های غیر رسمی و ارائه راهبردهای ساماندهی آنها نمونه موردی: محله حسن‌آباد یزد. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۴، ۱۲۹-۱۴۵.
- امیری، مجتبی، و کمالی، عباس (۱۳۹۴). چالش‌های اقتصادی و اجتماعی اسکان غیر رسمی برای مدیریت شهری. هفت شهر، ۳۷ و ۳۸.
- ایراندوست، کیومرث، و صرافی، مظفر (۱۳۸۶). یأس و امید در سکونتگاه‌های غیر رسمی نمونه موردی: شهر کرمانشاه. رفاه اجتماعی، ۲۶، ۲۰۱-۲۲۵.
- ایراندوست، کیومرث، و تولایی، روح‌الله (۱۳۹۱). الگوی مسکن فقرا در سکونتگاه‌های غیر رسمی: نمونه موردی: عباس‌آباد سندج. ساخت شهر، ۲۰، ۲-۱۷.
- بردلی، هریث (۱۳۸۶). دگرگونی ساختارهای اجتماعی: طبقه و جنسیت (مترجم: محمود متحد). تهران: آگه.
- بیات، آصف (۱۳۹۰). زندگی همچون سیاست (مترجم: فاطمه صادقی). کتابخانه الکترونیکی امین.
- بیات، آصف (۱۳۹۱). سیاست‌های خیابانی (مترجم: سیداسدالله نبوی چاشمی). تهران: پردیس دانش.
- بیرد، ویکتوریا، میرآفتاب، فرانک، و سیلور، کریستوفر (۱۳۹۷). برنامه‌ریزی و تمرکز زدایی: فضاهای متعارض برای اقدام جمعی در جهان جنوب. تهران: آگه.
- پرلمن، جانیس (۱۳۹۷). فاوولا چهاردهه زندگی بیمناک در سکونتگاه‌های ریودوژانیرو (مترجم: کیومرث ایراندوست و گلابول مکرونی). کردستان: انتشارات دانشگاه کردستان.
- پیران، پرویز (۱۳۶۶). شهرنشینی شتابان و ناهمگون: مسکن نابهنجار. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۵، ۵۴-۵۶.
- پیران، پرویز (۱۳۷۲). طرح ساماندهی تپه مردآباد کرج (زور آباد). تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- پیران، پرویز (۱۳۷۴). آلودگی‌نشینی در ایران. ماهنامه سیاسی-اقتصادی، ۹۵ و ۹۶، ۱۲۵-۱۲۹.
- پیران، پرویز (۱۳۷۹). فقرزایی در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی شیرآباد زاهدان. تهران: برنامه عمران ملل متحد.
- حاتمی‌نژاد، حسین، سیف‌الدینی، فرانک، و میره، محمد (۱۳۸۵). بررسی شاخص‌های مسکن غیر رسمی در ایران نمونه موردی: محله شیخ‌آباد قم. پژوهش‌های جغرافیایی، ۵۸، ۱۲۹-۱۴۵.
- حائری‌مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حبیبی، سیدمحسن، پورمحمدرضا، نوید، عرفانی، جواد، و حمیده، سارا (۱۳۹۱). مقایسه تطبیقی شکل‌گیری و تکوین فضاهای عمومی در شهرهای حومه‌ای جنوب تهران (مطالعه موردی: ورامین، قرچک، اسلام‌شهر). صفت، ۵۶، ۱۰۱-۱۱۹.
- حبیبی، میترا، و گرامی، نیلوفر (۱۳۹۷). چگونگی استفاده از فضاهای شهری در سکونتگاه‌های غیر رسمی موردپژوهی: جداره شرقی بزرگراه چمران تهران. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۳۲، ۱۶۳-۱۷۴.
- خراسانی‌مقدم، صبا، مظفر، فرهنگ، و حسینی، سید باقر (۱۳۹۷). شاخص‌های سرمایه اجتماعی مؤثر بر رضایتمندی ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۲، ۲۳۳-۲۶۱.
- راپاپورت، آموس (۱۳۶۶). منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی (مترجم: راضیه رضازاده). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی (مترجم: فرح حبیب). تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۵). خاستگاه فرهنگی معماری (مترجم: صدف آل رسول). تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مسکن (مترجم: خسرو افضلیان). تهران: انتشارات حرفه هنرمند.
- زیاری، کرامت‌اله، و نوذری، آذردهخت (۱۳۸۷). ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیر رسمی شهر اهواز. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۶۸، ۲۱-۳۶.
- زیمل، گئورگ (۱۳۷۲). کلانشهر و حیات ذهنی (مترجم: یوسف علی‌ابادری). نامه علوم اجتماعی، ۶، ۵۳-۶۶.

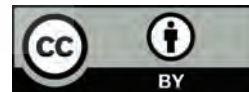
- شار، ادم (۱۳۸۹). کلبه هایدگر (مترجم: ایرج قانونی). تهران: ثالث.
- شولتز، نوربرگ (۱۳۸۱). مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی (مترجم: محمود امیر یاراحمدی). تهران: آگه.
- شولتز، نوربرگ (۱۳۸۲). گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان (مترجم: ویدا نوروز برازجانی). تهران: جان و جهان.
- شولتز، نوربرگ (۱۳۸۷). معماری: حضور، زبان و مکان (مترجم: علیرضا سید احمدیان). تهران: نیلوفر.
- شیخی، محمد، امینی، سعیده، و نظامی، آناهیتا (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های رسمی و غیر رسمی مورد مطالعه: شهر جدید پرند و نسیم‌شهر. علوم اجتماعی، ۶۹، ۴۵-۷۴.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱). به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیر رسمی از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی. هفت شهر، ۸، ۵-۱۱.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۷). ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی کشور در پرتو حکمروایی خوب شهری. هفت شهر، ۲۳ و ۲۴، ۴-۱۴.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). تحولات نوپدید در فرهنگ دانشگاه و فضای کلاس و تأثیر آن بر تدریس؛ تأملی در نسل‌های پنج گانه دانشجو و استاد. تدریس پژوهی، ۴، ۱-۲۲.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر گراند تئوری. تهران: آگه.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۹). ذهن و همه چیز؛ طرح واره‌هایی برای زیستن. تهران: کرگدن.
- فراستخواه، مقصود (۱۴۰۰). ما ایرانیان؛ زمینه کافی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی. تهران: نی.
- قرخلو، مهدی، و عابدینی، اصغر (۱۳۸۷). اسکان غیر رسمی و راهبردهای ساماندهی سکونتگاه‌های نامتعارف با تأکید بر بخش مسکن در ایران، جغرافیا و برنامه‌ریزی. ۲۵، ۱۴۹-۱۷۶.
- کلنر، هانسفرید، برگر، بریجیت، و برگر، پیتر (۱۳۸۱). ذهن بی‌خانمان؛ نوسازی و آگاهی (مترجم: محمد ساوجی). تهران: نی.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱). تهران: ظهور یک کلانشهر. تهران: پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مهندسان مشاور آباد گستر تخت سلیمان (۱۳۹۶). بازنگری طرح هادی روستای مرتضی‌گرد. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- موسوی، میرنجف، نظری ولاشانی، پریسا، و کاظمی‌زاد، شمس‌اله (۱۳۸۹). تحلیلی بر شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در سکونتگاه‌های غیر رسمی مطالعه موردی: محله شهرک قائم شهر قم. آمایش محیط، ۱۱، ۶۴-۸۴.
- هرائینی، مصطفی، و انبارلو، مسعود (۱۳۹۵). مروری بر اسکان غیر رسمی و شاخص‌های آن، چالش‌ها و راهکارها مطالعه موردی: محله مرتضی‌گرد تهران. همایش بین‌المللی اقتصاد شهری.
- AGA KHAN (2005). *AL - Azhar Park, Cairo and the Revitalization of Darbal-Ahmar*. Project brief.
- Alsayyad, N. (1993). Squatting and Culture: A Comparative Analysis of Informal Developments in Latin America and the Middle East. *Journal of Habitat International*, 17, 33-44.
- Alsayyad, N. (2004). *Urban Informality as a "New" Way of Life*. New York: Lexington Books.
- Bachelard, G. (1994). *The Poetics of Space*. Boston: Beacon Press.
- Bari, A. (2016). *Understanding Urban Informality: Everyday life in informal urban settlements in Pakistan*, A thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy in the School of Geography, Politics and Sociology, Newcastle University.
- Bayat, A. (2000). From Dangerous Classes to Quiet Rebels: Politics of the Urban Subaltern in the Global South. *Journal of International Sociology*, 3, 539- 560.
- Bayat, A. (2007). Radical Religion and the Habitus of the Dispossessed: Does Islamic Militancy Have an Urban Ecology. *International Journal of Urban and Regional Research*, 31, 579-590.
- Benjamin, S. (2008). Occupancy Urbanism: Radicalizing Politics and Economy Beyond Policy and Programs. *International Journal of Urban and Regional Research*, 31, 719-729.
- Coolen, H. & Ozaki, R. (2004). *Culture, Lifestyle and the Meaning of a Dwelling*. Netherlands: Delft University of Technology.

- Corbin, J. & Strauss, A. (2014). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. California: Sage Publication.
- Davis, M. (2006). *Planet of Slums*. New York: Verso.
- De soto, H. (1989). *The Other Path: The Invisible Revolution in the Third World*. New York: Harper & Row.
- De Soto, H. (2000). *The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Fails Everywhere Else*. New York: Basic Books.
- Dovey, K., Oostrum, M., Chatterjee, I., & Shafique, T. (2020). Towards a morphogenesis of informal settlements. *Habitat International*, 104, 1-14.
- Drisko, J. & Maschi, T. (2016). *Content Analysis*. New York: Oxford University Press.
- Drivdal, L. (2016). Community Leadership in Urban Informal Neighbourhoods: Micro-Politics and Micro-Administration in Informal Settlements in Cape Town. *Urban Forum*, 27, 275-295.
- Gilbert, A. (2007). The Return of the Slum: Does Language Matter? *International Journal of Urban and Regional Research*, 31, 697-713.
- Gilbert, A. (2014). Free housing for the poor: An effective way to address poverty? *Habitat International*, 41, 253-261.
- Guillermo A., & Santos, C. (2011). Informal settlements need and environmental conservation in Mexico City: An unsolved challenge for land use Policy. *Land use policy*, 24 (8), 662-649.
- Harris, J., & Little, S. (2019). Mapping Hope: How Do Vulnerable Youth Locate Hope in Informal Settlements? *Urban Forum*. 30, 289-306.
- Heidegger, M. (1971). *Poetry, Language, Thought. Trans, Albert Hofstadter*. New York: Harper & Row.
- Huchzermeyer, M. (2009). Enumeration as a Grassroot Tool towards Security Tenure in Slums: Insights from Kisumu, Kenya. *Urban Forum*, 20, 292-271.
- Ishtiyaaq, M. & Kumar, S. (2011). Typology of Informal Settlement and Distributio of Slums in the NCT, Delhi. *Journal of Contemporary India Studies: Space and Society*, 3, 20-33.
- Kellet, P., & Moore, J. (2003). Routes to home: homelessness and home-making in contrasting societies. *Habitat International*, 27, 123-141.
- Khalil, A., El-Aal, A., Quintero, N., Aayash, H., El-Wahab, M., Ibrahim, M., & Marei, K. (2016). Improving Living Conditions in Informal Settlements, The case of El-Arab, Hurghada. *Environmental sciences*, 34, 13- 24.
- Kit, O., Lü deke, M., & Reckien, D. (2016). Texture-based identification of urban slums in Hyderabad, India using remote sensing data. *Applied Geography*, 32 (2), 660-667.
- Lombard, M. (2014). Constructing ordinary places: Place-making in urban informal settlements in Mexico. *Progress in Planning*, 94, 1-53.
- Meesters, J. (2009). *The meaning of activities in the dwelling and residential environment*. Netherlands: IOS Press under the imprint Delft University Press.
- Neuwirth, R. (2010). *Shadow Cities; A Billion Squatters, a New Urban World*. New York: Routledge.
- Pallasma, J. (1996). *The eyes of the skin: Architecture and the senses*. England: Wiley Academy.
- Pallasmaa, J. (1992). *Identity, Intimacy and Domicile: Notes on the phenomenology of home*. Norway: Symposium at the University of Trondheim.

- Pallasmaa, J. (2011). *Space, Place and Atmosphere: Peripheral Perception in Existential Experience*. Ghost 13 International Architecture Conference, Nova Scotia, Canada.
- Perlman, J. E. (2004). *Marginality: From Myth to Reality in the Favelas of Rio de Janeiro*. United Kingdom: Oxford University Press.
- Relph, E. (1976). *On the Identity of Places, Place and Placelessness*. London: Pion.
- Roy, A., & AlSayyad, N. (2004). *Urban Informality: Transnational Perspectives from the Middle East, Latin America, and South Asia*. Lanham MD: Lexington Books.
- Roy, A. (2012). *Urban Informality: The Production of Space and Practice of Planning*. United Kingdom: Oxford University Press.
- Schwandt, T. (2007). *Analyzing Qualitative Data, the Sage Dictionary of Qualitative Inquiry*. New York: Sage Publication.
- Simone, A. (2004). People as Infrastructure: Intersecting Fragments in Johannesburg. *Journal of Public Culture*, 16, 407-29.
- Strauss, A. & Corbin, J. (2015). *Basics of Qualitative Research*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- UN- HABITAT (2003). *The Challenge of Slums - Global Report on Human Settlements*. London & Sterling: UN-HABITAT - Earthscan Publications Ltd.
- UN- HABITAT (2016). *HABITAT in - Informal Settlements, Global Report on Human Settlements*. London & Sterling: UN-HABITAT - Earthscan Publications Ltd.
- Vertigans, S., & Gibson, N. (2019). Resilience and social cohesion through the lens of residents in a Kenyan informal settlement. *Community Development Journal*, 55, 624-644.
- Vivier, E., & Sanchez-Betancourt, D. (2020). Community leaders as intermediaries: How everyday practices create and sustain leadership in five informal settlements in Cape Town. *Leadership*, 0 (0), 1-19.
- Westaway, M. S. (2016). A Longitudinal Investigation of Satisfaction with Personal and Environmental Quality of Life in an Informal South African Housing settlement, Doornkop, Soweto. *Habitat International*, 30, 175-189.
- Wolford, R. (2008). *Wandering in Dwelling*. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of PhD in Architectural Theory. Washington State University.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Journal of Architecture and Urban Planning. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
احمدی، سارا؛ حبیبی، میترا و فراستخواه، مقصود (۱۴۰۲). خانواده بزرگ در مقابل رقابت و تناقض: بررسی موردی سکونتگاه غیر رسمی مرتضی‌گرد. نشریه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۵ (۳۹)، ۵-۲۸.

DOI: 10.30480/AUP.2022.3950.1860

URL: http://aup.journal.art.ac.ir/article_1060.html

Transformation in the Concept of Dwelling: A Case Study of Morteza Gerd Informal Settlement

Sara Ahmadi

Ph.D. in Urban Planning, School of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran
(Corresponding Author)

Mitra Habibi

Professor, Department of Urban Planning, School of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran

Maghsood Farasatkhan

Professor, Higher Education Planning Department – Higher Education Research and Planning Institute, Tehran, Iran

Abstract

The concept of dwelling is complex and dynamic. Therefore, the existing theories and views on the concept of dwelling, which are often presented in the conditions and structures of formal settlements, do not have the necessary effectiveness in other settlements. Due to the mental and interactive nature of the concept of dwelling, its experience and perception in different residents can be different from the universal and conventional theoretical views in the field of dwelling. Therefore, considering the development of informal settlements and the importance of studying and recognizing them accurately, as a basis for any action in the environment of informal settlements, which are recognized with different characteristics, can be thought-provoking. The purpose of this study is to identify the perception and experience of residents of dwelling and how its meaning and conceptualization in the field of informal settlement and related concepts and by examining the case study of Morteza Gerd informal settlement. This research falls into the category of interpretive paradigm and from the epistemological point of view, emphasizes the researcher's action and interaction with the research subject and at least an objective separateness from the research participants. In this research, manifest inductive qualitative content analysis has been used as a research method in order to interpret the textual data obtained from semi-structured in-depth interviews and field observations. The data were analyzed through a systematic process with the aim of classifying concepts up to four levels of abstraction. The selection of participants in this study was purposeful and in line with the development of concepts to achieve saturation. The findings of this study indicate that in informal settlements, the dynamic concept of dwelling and its defining components such as peace, tranquility and security in different stages of dwelling is interpreted differently and its transformation is observed. Once (phase and first stage of residence) through living within large families and a sense of collective belonging and another time (phase and second stage of residence), through intra-group competition and contradiction, promotion of capital and quality of life. In other words, this study, through the interpretation and analysis of the content of residents' perceptions, shows two different and metamorphic stages in the concept of dwelling: First, "meaningfulness of living within large families", and then, the rotation of the concept and "intra-group competition and contradiction" with the aim of promoting capital and occupying space. Also, the development of previous research in order to achieve the concept of dwelling in informal settlements with a focus on Morteza Gerd informal settlement is considered; Concepts that express how to achieve the components of housing in the general sense, such as peace, habitation, construction, nurturing, etc., but in different ways. The novelty of the present article is to show the difference in the meaning of dwelling in formal and informal settlements and to refine the mentioned concept and the defining components of each in different stages of informal settlement.

Keywords: Concept of dwelling, informal settlement, case study, Morteza Gerd